



بازداشت ۳۲ مجرم فراری؛ پولیس:

سطح جرایم جنایی حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است



آمارهای وزارت امور داخله نشان می‌دهد که سطح جرایم جنایی در جریان سه ماه اخیر در کشور حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. به گفته مسوولان در این وزارت، گراف رویدادهای جنایی در حوت سال گذشته و حمل و ثور سال روان در مقایسه با یک سال پیش آن، یک‌هزار و ۳۳۷ مورد کاهش را نشان می‌دهد. وزارت امور داخله همچنان پس از نشر فهرست مجرمان فراری، موفق شده است که ۳۲ مجرم را به کمک مردم بازداشت کند. در این جریان اما سه تن از مجرمان حین بازداشت در برخورد با پولیس کشته شده‌اند و ۴۱ مجرم هنوز فراری‌اند. شمار رویدادهای جنایی در حالی کاهش می‌یابد که هم‌زمان با اجرای شدن طرح‌های مبارزه با کرونا، بیش از ۶۴۵ زندانی نیز به دلیل گسترش این ویروس از زندان‌ها آزاد شده‌اند که به میزان نگرانی‌های مردم در مورد رویدادهای جنایی افزوده است.

۳



شلیک بر موتر حامل مهاجران افغان؛

دست‌بند چرا، سوختاندن کافی نبود؟

۳

خشونت فزاینده

۴

مثل سوختن در ایران؛ پی‌آمد کم‌توجهی به روستائینان

قصه مهاجرت هم‌وطنان ما فقط با واژه‌ی جنگ پنهان شده و به دلایل فرعی این موضوع کسی درنگ نمی‌کند. من به عنوان یک شهروند این مملکت به این باورم که تنها جنگ دلیل مهاجرت هم‌وطنان ما نیست. شهروند افغانستان هستیم و حکومت افغانستان باید تضمین‌کننده‌ی زنده‌گی ما باشد نه حکومت‌های ایران و ترکیه.

۴



خروج زود هنگام سربازان امریکایی



رئیس جمهور ترامپ قصد دارد امسال نیروهای امریکایی را از افغانستان بیرون کند که این اقدام، تسلیم شدن تحقیرآمیز و اشتباه فاجعه‌بار در مقابل دشمنی است که قبل از این، ما آن‌ها را شکست بزرگی داده‌ایم. نظامیان ایالات متحده امروز در افغانستان با دشمن خون‌آشامی...

۵

پرتاب «خشت» به سوی آمر شفاخانه‌ی کووید-۱۹ هرات، باعث استعفای او شد

صبح، هرات: ریاست صحت عامه هرات می‌پذیرد که آمر شفاخانه‌ی «کووید شماره یک/ شفاخانه‌ی شیدایی» به دنبال بدرفتاری وابسته‌گان یک فوتی کرونا، از وظیفه‌اش کناره‌گیری کرده است.

دفت‌ر رسانه‌های ریاست صحت عامه هرات، با نشر اعلامیه‌ای گفته است، وابسته‌گان یک فوتی کرونا، که قصد داشتند بدون دست‌کش و رعایت موارد بهداشتی او را غسل دهند، به دنبال مخالفت آمر شفاخانه، با او درگیر شدند و به سویس خشت پرتاب کردند.

در این اعلامیه هم‌چنان آمده است، چهار غسل برای شست‌وشوی بیمار فوتی حضور داشتند، تا وی را به گونه‌ی معیاری و با رعایت موارد بهداشتی غسل دهند، اما وابسته‌گان این فرد، مانع کار غسل‌ها شدند.

مسوولان صحت عامه و ریاست مبارزه با کرونا در هرات، از مخالفت اقارب برخی قربانیان کرونا، در شست‌وشو و کفن کردن معیاری مرده‌گان شکایت دارند و این مسأله را، برای کارمندان صحت در دسرساز عنوان می‌کنند.

بر اساس آخرین آمار ارایه شده از سوی مقام‌های بهداشتی در هرات، شمار قربانیان بیماری کووید-۱۹ در این ولایت به ۶۶ تن رسید و بیش‌تر از سه هزار و ۷۰۰ تن دیگر، به این بیماری گرفتار شده‌اند.



وزارت داخله:

از هر نوع تجمع جلوگیری می‌شود



صبح، کابل: با آغاز مرحله تازه‌ی محدودیت‌ها برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، وزارت داخله اعلام کرد که از هر نوع تجمعات در سراسر کشور به خصوص کابل جلوگیری می‌کند. مروه امنیتی، معاون سخنگوی وزارت امور داخله، روز یکشنبه، هژدهم جوزا، گفت که پولیس به عنوان نهاد اجراکننده قانون، طبق فیصله کمیته اضطرار مبارزه با ویروس کرونا، «قرنطین» را برای سه ماه دیگر نیز تطبیق می‌کند. خانم امنیتی افزود که پولیس تمام تجمعات در مکاتب، مدارس، تفریح‌گاه و دانشگاه‌ها را متوقف کرده است.

معاون سخنگوی وزارت امور داخله تأکید می‌کند که پولیس در اجرای طرح تازه جدی است. او از مردم خواست که پولیس را در امر تطبیق طرح تازه کمیته اضطرار مبارزه با ویروس کرونا همکاری کنند. مروه امنیتی هشدار داد که پولیس با متخلفان این طرح به صورت جدی برخورد خواهد کرد.

حکومت روز گذشته با همه‌گانی کردن طرحی برای تنظیم کسب‌وکار اعلام کرد که «مرحله اوج فلاکت ویروس کرونا» آغاز شده است. طرح تازه حکومت که از سوی وزارت صحت عامه تهیه شده است، روز یکشنبه اجرایی شد. در مرحله اول اجرای این طرح که برای سه ماه در نظر گرفته شده است، تجمع بیش از

مدیر عمومی پولیس مردمی هرات در اثر ابتلا به کرونا درگذشت

صبح، هرات: فرماندهی پولیس هرات تأیید می‌کند که مدیر عمومی پولیس مردمی این نهاد، فوت کرده است.

دفت‌ر رسانه‌های فرماندهی پولیس هرات، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که عبدالروف احمدی، مدیر عمومی پولیس مردمی هرات، عصر روز یکشنبه، هژدهم جوزا، فوت کرده است. یک منبع در فرماندهی پولیس هرات که از ذکر نامش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه صبح می‌گوید که آقای احمدی به دلیل ابتلا به کرونا جان باخته است و از چند روز پیش، در خانه‌اش در قرنطین خانه‌گی بوده است. درگذشت این مقام پولیس به دلیل کرونا، نگرانی‌ها از همه‌گیری این بیماری در میان نیروهای پولیس را افزایش داده است.

پیش از این، مسوول امنیتی شفاخانه کووید - ۱۹ شماره یک هرات نیز، به بیماری کرونا مبتلا و در شفاخانه بستری شد.

بر اساس آمار رسمی، شمار قربانیان کرونا در هرات به ۶۶ تن رسیده است، اما آمار غیررسمی نشان می‌دهد که مرگ‌ومیر کرونا، خیلی بیش‌تر از این است.



کرونا هم‌چنان در حال اوج‌گیری، ادعای مرگ‌ومیر روزانه ۳۰ بیمار در هرات



یک عضو شورای ولایتی هرات ادعا دارد، یافته‌های او نشان می‌دهد، روزانه دست‌کم بین ۳۰ تا ۴۰ تن به دلیل بیماری کووید-۱۹ در شهر و ولسوالی‌های این ولایت، جان می‌دهند و آمار ارایه شده از سوی صحت عامه، غیرواقعی است.

۷



بی تفاوتی را بس کنیم

شبکه‌های اجتماعی به کلکسیون اعلانات فوتی بدل شده است. مرگ‌ومیر بر اثر این بیماری، جان کهن‌سالان و هم‌چنان افراد دارای بیماری‌های مزمن را یکی پی دیگری می‌گیرد. در شهرهای بزرگ کشور وضعیت بسیار خراب شده است. در ولسوالی‌ها و روستاها هنوز هم شماری از شهروندان نسبت به پی‌آمدهای این بیماری بی‌باور اند.

واقعیت این است که در افغانستان مسوولیت حکومت به تنهایی ایجاد و بستر و شفاخانه نیست. مشکل اصلی و کلان، باورمند ساختن مردم به موجودیت این بیماری است. مردم به دستگاه صحتی باورمند نیستند. دستگاه صحتی ما به جای تمرکز روی مهار این وضعیت، باید به جنگ فرسایشی با شایعات برود.

هیچ تردیدی نیست که دستگاه صحتی و در کل حکومت افغانستان در کار مبارزه با کروناویروس تا این‌جا کار ناموفق بوده‌اند، اما حقیقت این است که یکی از دلایل عمده و اساسی آن، عدم همکاری مردم بوده است. مردم به جای توجه به توصیه‌های صحتی، در اوایل شایعه انداختند که کرونا بیماری ویژه کفار است و مسلمانان از این بیماری در امان خواهند ماند. بار دیگر شایعه انداختند که کرونا دروغ است و ساخته و پرداخته سیاسیون بری جذب کمک‌های بین‌المللی و در نهایت به سمت بی‌تفاوتی محض رفتند. این بی‌تفاوتی حالا آثار خود را مشخص کرده است. مرگ ۳۰ تن آن هم بر اساس آمار رسمی در یک شبانه‌روز برای کشوری مانند افغانستان، خیلی خطرناک است.

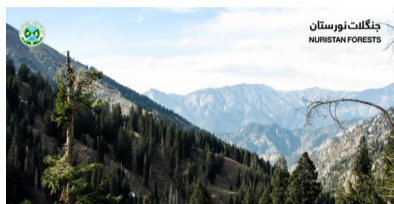
برخورد مردم ما با کروناویروس بسیار جالب است. در حال حاضر، کرونا در شهرهای کلان کشور خانه‌به‌خانه نفوذ کرده است. مردم در این شهرها حالا واقعیت کرونا را درک کرده‌اند. اما در ولایت‌ها، ولسوالی‌ها و قریه‌هایی که این ویروس هنوز شیوع گسترده پیدا نکرده است، مردم هنوز بی‌باور اند. بخشی از مردم تا مرگ ناشی از کرونا را به چشم نمی‌بینند، باور نمی‌کنند. چنین برخوردی، دستگاه صحتی ما را استهلاک می‌کند. ما باید بدانیم که نظام صحتی افغانستان توانایی رسیده‌گی به یک جمعیت ۳۵ میلیونی را ندارد. ما نه تولید کیت آزمایشی داریم و نه هم بستر کافی برای مراقبت. نه متخصص دستگاه تنفسی داریم و نه هم امکانات دارویی کافی. از همه مهم‌تر این‌که در سطح ولسوالی‌ها هیچ آماده‌گی لازم برای مبارزه با این بیماری و یا رسیده‌گی به بیماران وجود ندارد.

در چنین شرایطی بهتر است تکیه بر شایعات را بس کنیم. افغانستان از معدود کشورهایی است که جامعه صحتی آن هم‌زمان هم باید با کرونا مبارزه کند هم با شایعات. وقت آن رسیده که به دستگاه صحتی کمک کنیم. بهترین کمک، رعایت طرح تازه حکومت برای مقابله با کرونا است. واقعیت این است که افراد کهن‌سال و کسانی که بیماری‌های مزمن دارند، بیش‌ترین خطر، آن‌ها را تهدید می‌کند. بهتر است مدتی این وضعیت را تحمل کنند. بزرگان ما چند روزی در خانه بمانند، بیماران ما استراحت کنند و جوانان ما ماسک بپوشند و از تماس با افراد آسیب‌پذیر خودداری کنند. ایتالیا، اسپانیا و بسیاری از کشورهایی که به بدترین وضعیت ناشی از کرونا ویروس رسیده بودند، در آن کشورها معافیت کتله‌ای ایجاد نشده است، بلکه مردم آن‌ها به توصیه‌های صحتی توجه کرده و مرگ‌ومیر را به کم‌ترین حد ممکن کاهش داده‌اند.

حقیقت است که دولت افغانستان نمی‌تواند در کنار هر شهروند یک سرباز پولیس موظف سازد. ضمانت اجرای طرح تازه حکومت، همکاری مردم است. هر فرد باید پولیس خود باشد و هر فرد باید نگهبان و پاسبان بزرگ خانه خود باشد. اگر با حکومت برای مهار کروناویروس همکاری نکنیم، ممکن است این بیماری ماه‌ها در افغانستان دوام یابد. ممکن است دوستان زیادی را هرکدام ما از دست بدهیم. با توجه به این‌که کرونا بعد از ورود به کشورهایی چون ایران و پاکستان به افغانستان آمد، ما می‌توانستیم اجازه ندهیم که وضعیت به این‌جا بکشد؛ اما حقیقت این است که بخش کلانی از تقصیر بر عهده خود ما است.

جنگلات نورستان، دشت ناور غزنی، درقد تخار و امام‌صاحب کندز به عنوان ساحات محافظت‌شده اعلام شد

پیش‌تر، حافظ عبدالقیوم، والی نورستان در صفحه فیسبوکش نوشته بود که نورستان به عنوان «پارک ملی» و «ذخیره‌گاه حیات وحش» اعلام می‌شود.



جنگلات نورستان

مسوولان در اداره ملی حفاظت محیط زیست اما تصریح می‌کنند که منظور از حیات وحش، «جان‌داران موجود در آن ولایت» بوده و قرار است مصونیت این جان‌داران از بُعد ارزش‌های طبیعی افزایش یابد.

گفتنی است که ساحات حفاظت شده به ساحه معین جغرافیایی خشکه یا بحر گفته می‌شود که ملکیت عامه بوده و برای حفظ تنوع حیات، میراث‌های طبیعی، فرهنگی، مذهبی، منابع ژنتیکی و مناظر طبیعی نگهداری شود.



ولسوالی امام صاحب کندز

اداره ملی حفاظت محیط زیست پیش از این بندامیر و دره شاه‌فولادی در بامیان، واخان در بدخشان و کول حشمت‌خان در کابل را نیز ساحه محافظت‌شده در کشور اعلام کرده است.



۸ صبح، کابل: اداره ملی حفاظت محیط زیست می‌گوید که جنگلات نورستان، دشت ولسوالی ناور غزنی، ولسوالی امام‌صاحب کندز و ولسوالی درقد تخار به عنوان «ساحه محافظت‌شده» و «پارک ملی» در کشور شناخته شده است.

قاسم رحیمی، رییس اطلاعات و آگاهی عامه اداره ملی حفاظت محیط زیست روز یکشنبه، هژدهم جوزا در گفت‌وگو با ۸ صبح گفت که این چهار محل بر اساس ارزش‌های طبیعی و پس از ارزیابی‌ها علمی و فنی به عنوان ساحات محافظت‌شده اعلام شده است.



ولسوالی درقد تخار

وی افزود که ساحات نامبرده به منظور ارزش‌های طبیعی، از جملات حیات وحش و جنگلات آن، زیر «مراقبت‌های ویژه» قرار می‌گیرد.

به گفته آقای رحیمی، مراسمی برای امضای اسناد این ساحات در ارگ ریاست جمهوری برگزار می‌شود و قرار است مقامات بلند رتبه حکومتی، از جمله رییس جمهور غنی، در آن اشتراک کنند.

افزایش شمار بیماران کووید - ۱۹ به ۲۰ هزار تن؛ در ۲۴ ساعت گذشته ۳۰ بیمار جان باختند

۸ صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که در یک شبانه‌روز گذشته ۳۰ بیمار کووید - ۱۹ در کشور جان باخته‌اند که بلندترین رقم مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به ویروس کرونا از زمان شیوع این ویروس در کشور است. طبق اعلام وزارت صحت عامه، در ۲۴ ساعت گذشته ۷۹۱ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا در کشور شناسایی شده است. به این ترتیب، شمار مجموعی بیماران کووید - ۱۹ در کشور به ۲۰ هزار و ۳۴۲ تن رسیده است.

این وزارت روز یکشنبه، هژدهم جوزا، با نشر آما روزانه ابتلا به ویروس کرونا اعلام کرد که در یک شبانه‌روز گذشته یک هزار و ۴۲۷ نمونه مشکوک به کرونا از ۱۹ ولایت را بررسی کرده است.



از این میان، ۳۱۳ نفر در کابل، ۱۲۸ نفر در خوست، ۹۴ نفر در هرات، ۷۹ نفر در قندهار، ۴۹ نفر در نیمروز، ۱۸ نفر در ننگرهار، ۱۷ نفر در فراه، ۱۴ نفر در سمنگان، ۱۲ نفر در زابل، ۱۱ نفر در پروان، نه نفر در جوزجان، هشت نفر در نورستان، هشت نفر در پنجشیر، هفت نفر در

ایران بار دیگر دخالت مرزبانانش در حادثه به رودخانه انداختن کارجویان افغان را رد کرد



۸ صبح، کابل: محسن بهاروند، معاون بین‌المللی و امور حقوقی وزارت امور خارجه ایران، می‌گوید که تحقیقات کشورش نشان می‌دهد که مرزبانان این کشور در حادثه به «رودخانه افکندن کارجویان افغان» دخالتی نداشته‌اند.

بهاروند که در ششم جوزا برای بررسی حادثه کشتار کارجویان افغان در مرز ایران به کابل آمده بود، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا می‌گوید که این حادثه نتیجه تردهای غیرقانونی از مرز مشترک افغانستان و ایران است. به گفته او، افغانستان با برچیدن پاسگاه‌های مرکزی بر مرز کنترل ندارد و ممکن افراد گرفتار قاچاق چپان انسان شوند و با عبور از راه‌های سخت گذر دچار این نوع «خطرات» شوند.

معاون بین‌المللی و امور حقوقی وزیر خارجه ایران تأکید می‌کند که در تحقیقات ایران مدرکی برای دخالت مرزبانان ایرانی پیدا نشده است و سالانه از مرز مشترک ایران و افغانستان ۵۰۰ هزار تردد غیرقانونی صورت می‌گیرد که مرزبانان ایرانی همواره با آن‌ها رویه قانونی می‌کنند.

او افزود که مدارک و اسناد افغانستان را دریافت کرده است، اما این اسناد «چیزی نیست جز یک سری مصاحبه و عکس از محل رویداد در رودخانه هریرود» که هیأت ایرانی نیز محل رویداد را دیده است.

او هم‌چنان برخی از اسناد افغانستان را مصاحبه با افراد عنوانی کرد که گفته‌اند جز گروهی بوده‌اند که در رودخانه هریرود غرق شده‌اند.

محسن بهاروند می‌گوید که این اسناد را «مهم تلقی» کرده و در اختیار مراجع ذی‌صلاح ایرانی قرار داده است تا به آن به صورت قانونی رسیده‌گی کنند تا مشخص شود که از نظر حقوقی اثبات‌کننده جرم و یا تقصیری است یا خیر؟

سخنان محسن بهاروند روز یکشنبه، هژدهم جوزا، از سوی خبرگزاری رسمی دولت ایران - ایرنا نشر شد. وزارت خارجه افغانستان تاکنون در این مورد واکنش نشان نداده است.

بر اساس گزارش‌ها، شماری از کارجویان افغان که از مرز مشترک با ایران در منطقه‌ی «دهانه‌ی ذوالفقار» وارد ایران شده بودند، نیمه‌های شبانه‌شب، دوازدهم ژوئیه، از سوی مرزبانان ایرانی به رودخانه انداخته شدند.

طبق یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب که ریاست آن را حمید طهماسی، سرمفتش قوماندانی عالی قوای مسلح بر عهده داشت، در مجموع ۴۶ نفر از کارجویان افغان در رودخانه‌ی هریرود انداخته شده‌اند. از این میان، ۱۷ ناپدید، ۱۲ نفر غرق شده و ۱۷ نفر دیگر نیز نجات یافته‌اند.

وزارت معارف: مکاتب خصوصی می‌توانند آموزش آنلاین و غیرحضوری را آغاز کنند

آغاز آموزش حضوری در مکاتب بسته‌گی به کاهش و پایان تهدید ویروس کرونا در جامعه دارد. طبق اعلام وزارت معارف، آزمون چهارونیم ماهه دانش آموزان مکاتب ولایات سردسیر در پایان سال آموزشی هم‌زمان با آزمون سالانه گرفته می‌شود و نمرات امتحانات از ۱۰۰ محاسبه خواهد شد. هم‌چنان آزمون سالانه‌ی مناطق گرم‌سیر تا اطلاع بعدی، معطل شده است. وزارت معارف در این اطلاعیه گفته است که گزینه‌های تبدیل خدمات آموزشی را به صورت رسمی آغاز خواهد کرد.

مکاتب خصوصی، برای آن‌شمار از دانش‌آموزانی که به مشکل مالی مواجه هستند تخفیف، قرضه و تأجیل، از جانب مکاتب خصوصی در نظر گرفته خواهد شد.

وزارت معارف تأکید کرده است که از روند آموزش آنلاین مکاتب خصوصی نظارت جدی خواهد داشت.

در این اطلاعیه که روز یکشنبه، هژدهم جوزا، نشر شد، گفته شده است که تمام نهادهای آموزشی دولتی و خصوصی برای سه ماه دیگر تعطیل شده‌اند. وزارت معارف گفته است که تصمیم برای

۸ صبح، کابل: وزارت معارف در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که رخصتی مکاتب‌های دولتی و خصوصی بر اساس فیصله کمیته اضطراری جلوگیری از شیوع ویروس کرونا برای سه ماه دیگر تمدید شده است، اما آموزش از راه دور ادامه دارد.

در این اطلاعیه گفته شده است که مکاتب خصوصی در سراسر کشور می‌توانند آموزش آنلاین و غیرحضوری را با در نظر داشتن کیفیت آموزشی و رضایت خانواده‌ها آغاز کنند.

در اطلاعیه آمده است: «بر اساس فیصله‌ی جلسه رهبری وزارت معارف با مسوولان اتحادیه‌ی

شلیک بر موتر حامل مهاجران افغان؛ دستبند چرا، سوختاندن کافی نبود؟

آتش گشودن نیروهای ایرانی بر موتر حامل مهاجران افغان در بزد ایران، واکنش‌های تندی را به همراه داشته است. این واکنش‌ها اما پس از نشر تصاویر دیدار سفیر افغانستان در ایران افزایش یافته است. در تصاویری که نشر شده، دیده می‌شود که در دیدار سفر با یکی از زخمیان این رویداد، به او در بستر دستبند زده شده است. شماری از شهروندان این رفتار ایران را خلاف قوانین بین‌المللی می‌دانند و در پیوند به آن در شهرهای کابل و ننگرهار دست به تظاهرات زدند. شهروندان معترض با شعار «دستبند چرا، سوختاندن کافی نبود؟» نارضایتی‌شان را از کشور ایران ابراز کردند. چهارشنبه، هفته گذشته سه مهاجر افغان پس از آتش گرفتن موتر حامل‌شان کشته شدند و یک تن دیگر زخمی شد. این حادثه پس از آن رخ داد که شماری از مهاجران افغان در یک موتر سوار بوده‌اند و در مسیر با ایست پولیس ایران روبه‌رو می‌شوند. راننده موتر ظاهراً به ایست پولیس توجه نمی‌کند و پولیس به موتر حامل آن‌ها به طور مستقیم شلیک می‌کند. در پی شلیک پولیس، موتر حامل مهاجران افغان آتش گرفت که در نتیجه سه تن جان باختند و یک تن دیگر زخمی شدند. این حادثه واکنش‌های تندی را در کشور به همراه داشته است. شماری از شهروندان در اعتراض به این رفتار پولیس ایران در ولایت‌های کابل و هلمند گرد هم آیی‌های اعتراضی برپا کردند و از وزارت خارجه خواستار بی‌گیری این حادثه شده‌اند.



میداحمد حسینی



حقوق همه‌ی انسان‌ها را بدون در نظر داشت تابعیت، جنسیت، قومیت، لسان و مذهب به رسمیت می‌شناسد و به عنوان یک انسان برای آن حقوق و امتیازات قایل است. او از وزارت خارجه خواست که این قضیه را بر اساس قوانین بین‌الملل و قانون نافذ کشور که از حقوق اتباع در داخل و خارج از کشور حمایت کرده، بررسی کند. در همین حال وزارت امور خارجه کشور می‌گوید که یک هیأت را به بررسی این رویداد تعیین کرده است. گران هیواد، سخنگوی وزارت امور خارجه در صحبت با اصبح گفت که این وزارت یک هیأت را به رهبری عبدالغفور لیوال، سفیر افغانستان در تهران به وظیفه گماشته تا این رویداد را به طور همه‌جانبه بررسی کند. آقای هیواد گفت که این هیأت، به تازه‌گی به کارش آغاز کرده و هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

این در حالی است که نیروهای مرزی ایران، حدود یک‌ونیم ماه پیش ۴۶ تن از کارجویان افغان را در مرز میان افغانستان و ایران در دریای هریود انداخته بودند. در نتیجه این رویداد ۱۲ تن غرق شده بودند، ۱۷ نفر ناپدید شدند و ۱۷ تن دیگر نجات یافتند. وزارت خارجه برای بررسی این رویداد نیز دو هیأت حقیقت‌یاب گماشته بود. تاکنون اما از نتیجه نهایی کار این هیأت چیزی در دست نیست. سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید که سندهایی که جمع‌آوری کرده بود را به وزارت خارجه ایران سپرده‌اند تا آنان نیز این قضیه را بررسی کنند.

پیش از این کمیسیون مستقل حقوق بشر این رویداد را بررسی و مستندسازی کرده است. در این بررسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر، مرزبانان کشور ایران را مقصر شناخته بود و از ایران خواسته بود که عاملان این رویداد را مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار دهد. علاوه بر این، کمیسیون حقوق بشر از ایران خواسته بود که به خانواده‌های قربانیان غرامت پرداخت کند. ایران اما تاکنون زیر بار نرفته و همواره دست داشتن نیروهای مرزی‌اش در این رویداد مرگبار را رد کرده است.

«برای قربانیان، عدالت تأمین شود. دست‌رسی به عدالت خواست لوکس نیست بلکه نیاز انسانی و حق بشری است.»

طالب‌شاه دانشیار، فعال فیس‌بوکی از کشته شدن و به بند کشیدن زخمی این رویداد انتقاد کرده است. او گفته است: «اگر گاهی با آب می‌کشی‌ام و گاهی با آتش می‌سوزانی‌ام، دستم را رها کن. دستم را رها کن که آمدم خانه‌ات را بسازم تا عمرم را به جرم افغان بودن به پای بلندمنزل‌های تو خاک کنم ولو که دست‌مزدم را به هزار بار نداده‌ای و با لگد از شهرت بیرونم کردی. گلابه‌ای ندارم، شاید معنای انسانیت در قاموس تو همین باشد.»

علاوه بر این، شماری از حقوق‌دانان نیز رفتار پولیس ایران با مهاجران را خلاف قوانین بین‌المللی و حقوق انسانی می‌دانند. وحید فرزه‌ای، عضو اتحادیه حقوق‌دانان افغانستان به روزنامه ۸صبح گفت که قوانین بین‌المللی

علاوه بر این، شماری در شبکه‌های اجتماعی نیز نسبت به کشته شدن مهاجران و به بند کشیده شدن زخمی این رویداد واکنش نشان دادند. شهروندان این رفتار پولیس ایران در قبال مهاجرین را در تضاد با حقوق بشر و خلاف شریعت اسلامی دانسته‌اند. رحمت‌الله نبیل، رییس پیشین امنیت ملی در صفحه فیس‌بوکش نوشته است: «آقای جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران برای مرگ جورج فلویید سیاه‌پوست امریکایی دادخواهی می‌کند. این سوتر اما ما برای هم‌وطنان مظلوم سوخته در آتش خود در کشور همسایه با پسوند مشترک (اسلامی) نمی‌توانیم دادخواهی کنیم. از مسوولین ما حتا بدرقه فریاد (کمی آب بیار که سوختم) توقع بی‌جا است.»

سیما سمر، وزیر دولت در امور حقوق بشر گفته است که مردم افغانستان هر روز «می‌سوزند». او این حادثه را دردناک توصیف کرده و خواهان پیگرد جدی این رویداد شده است. خانم سمر در توییتش نوشته است:

بازداشت ۳۲ مجرم فراری؛ پولیس: سطح جرایم جنایی حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است



آمارهای وزارت امور داخله نشان می‌دهد که سطح جرایم جنایی در جریان سه ماه اخیر در کشور حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. به گفته مسوولان در این وزارت، گراف رویدادهای جنایی در حوت سال گذشته و حمل و ثور سال روان در مقایسه با یک سال پیش آن، یک‌هزار و ۳۳۷ مورد کاهش را نشان می‌دهد. وزارت امور داخله هم‌چنان پس از نشر فهرست مجرمان فراری، موفق شده است که ۳۲ مجرم را به کمک مردم بازداشت کند. در این جریان اما سه تن از مجرمان حین بازداشت در برخورد با پولیس کشته شده‌اند و ۴۱ مجرم هنوز فراری‌اند. شمار رویدادهای جنایی در حالی کاهش می‌یابد که هم‌زمان با اجرای شدن طرح‌های مبارزه با کرونا، بیش از ۶۴۵ زندانی نیز به دلیل گسترش این ویروس از زندان‌ها آزاد شده‌اند که به میزان نگرانی‌های مردم در مورد رویدادهای جنایی افزوده است.



حبیب‌الله

این آمار، ۳۰ مورد قتل مسلحانه، ۲۷ مورد خودکشی و ۱۲ مورد دریافت جسد در مقایسه با آمارها گذشته بیش‌تر به ثبت رسیده است. این وزارت پیش از این در برنامه حساب‌دهی به ملت گفته بود که ۱۶ هزار و ۳۴۳ رویداد جرمی در جریان سال ۱۳۹۸ در کشور ثبت و ۲۹ هزار و ۵۵۴ مظنون نیز در پیوند به آن بازداشت شده‌اند. مسوولان در این وزارت آن زمان گفته بودند که میزان رویدادهای جنایی در سال گذشته در مقایسه با سال ۱۳۹۷، ۲۱ درصد کاهش یافته است.

در همین حال، طارق آرین می‌گوید که وزارت امور داخله در جریان سه ماه توانسته ۳۲ مجرم فراری را به کمک مردم بازداشت کند. وی افزود که علاوه بر این آمار، سه مجرم فراری در جریان تلاش برای بازداشت‌شان با پولیس درگیر و در نتیجه کشته شده‌اند. به گفته آقای آرین، ۴۱ مجرم فراری هنوز زیر تعقیب پولیس قرار دارند که پیش‌رفت‌هایی نیز در تلاش‌ها برای بازداشت‌شان به میان آمده است. وزارت امور داخله در میانه‌های ماه ثور اسم این مجرمان را با

دزدی اموال و اجناس در بر دارد. بر اساس آمارهای این وزارت، ۶۴۲ مورد جرات، ۶۰۱ واقعه‌ی قتل و ۳۳۲ مورد سرقت اموال و اجناس از سوی پولیس ثبت شده است. این در حالی است که بر اساس آمارها، ۱۸۷ رویداد قاچاق مواد مخدر و ۱۳۲ رویداد سرقت وسایط نیز در جریان سه ماه اخیر رخ داده است. گفتنی است که سایر آمار را رویدادهای خودکشی، دریافت جسد، اختطاف، رشوت و سایر جرایم این چنینی تشکیل می‌دهد. مسوولان در وزارت امور داخله اما می‌گویند که در جریان حوت ۱۳۹۷ و حمل و ثور سال گذشته چهار هزار و ۵۶۶ رویداد جنایی از سوی پولیس ثبت شده است.

پولیس این آمار را در ۳۴ کتگوری جرمی فهرست‌بندی کرده است. آمارهای مربوط به وزارت امور داخله در سه ماه اخیر در مقایسه با حوت ۱۳۹۷ و حمل و ثور ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که جرایم بر اساس ارقام در ۲۶ کتگوری کاهش و در هفت کتگوری، از جمله قتل مسلحانه، خودکشی، دریافت جسد، فرار از قطعه و روابط نامشروع، افزایش یافته است. بر اساس

پس از اوج‌گیری جرایم جنایی در سال گذشته، اکنون وزارت امور داخله از کاهش چشم‌گیر در این گونه جرایم خبر می‌دهد. طارق آرین، سخنگوی وزارت امور داخله روز یک‌شنبه، هژدهم جوزا در گفت‌وگو با ۸صبح گفت که در سه ماه اخیر سه هزار و ۲۲۹ رویداد جنایی در سراسر کشور رخ داده است که در مقایسه با سال گذشته یک هزار و ۳۳۷ مورد کاهش را نشان می‌دهد. وی افزود که از میان این آمار، دو هزار و ۵۲۲ مورد آن کشف شده و سه هزار و ۷۶۸ تن نیز در پیوند به آن بازداشت شده‌اند. به گفته آقای آرین، هم‌چنان یک هزار و ۱۸۲ تن در پیوند به این میزان از رویدادها مقصر شناخته شده و تلاش پولیس برای بازداشت این افراد ادامه دارد.

سخنگوی وزارت امور داخله تصریح کرد که بیش‌ترین جرایم جنایی در سه ماه اخیر را مجروحیت، قتل و

مثل سوختن در ایران؛ پی آمد کم توجهی به روستائیان

احمد فیصل عمران

که معیارش انگلیسی، کامپیوتر و تجربه‌های طولانی نباشد، به ایران می‌روند.

وقتی به شهرها می‌آید. حکایت فرق دارد. مکتب‌ها و دانشگاه‌ها فعال‌اند و صدها جوان روزانه روی رشد ظرفیت‌های‌شان کار می‌کنند. تمام فرصت‌ها در قالب کوچک شهرها محدود است. به این معنا نیست که همه دسترسی دارند، ولی همه امکانات فراهم شده است و این‌جا فرق بزرگی میان زنده‌گی آن جوان قریه‌نشین و جوان شهرنشین ایجاد شده است. اگر در شهر زنده‌گی کردید، چانس رشد و یا حداقل یافتن شغل برای‌تان بیش‌تر است، ولی اگر در قریه‌ای بودید چانس یافتن شغل حتا برای‌تان کم است. چرا؟ به دلیل این که معیارها به تمام افغانستان به چشم شهرها تنظیم شده است. آن‌چه انتظار از یک جوان شهرنشین است، همان انتظار از یک جوان قریه‌نشین هم است. در معیارها تفاوت نیست، اما در زنده‌گی‌ها، تفاوت بزرگی است. گره مشکل در این‌جا است نه در ایران و ترکیه.

یک سیستم فرسوده تعلیمی و تحصیلی، معیارهای غیرعادلانه شغلی مانند انگلیسی و کامپیوتر، زنده‌گی یک جوان قریه‌نشین را به آتش در ایران می‌کشد، نه جنگ. باور داشته باشیم که قرار نیست تمام انگلیسی‌دان‌ها، تمام کامپیوتردان‌ها، تمام خارج‌دیده‌ها و تمام شهرنشین‌ها بهترین باشند. این حادثه باید دلیلی شود تا برای هم‌وطنان ما در وطن‌مان دادخواهی کنیم، نه در ایران. دادخواهی کنیم تا به قریه‌نشین‌ها زمینه تعلیم باکیفیت فراهم شود، دادخواهی کنیم تا برای هم‌وطن قریه‌نشین ما امکانات فرستاده شود، دادخواهی کنیم تا برای‌شان فرصت رشد داده شود و دادخواهی کنیم تا موج تغییر و ترقی از محدوده‌ی شهرها بیرون شده و به رگ‌رگ این کشور برود تا روزی هم‌وطن دیگر ما در خاک بیگانه آتش نگیرد.



قصه مهاجرت هم‌وطنان ما فقط با واژه‌ی جنگ پنهان شده و به دلایل فرعی این موضوع کسی درنگ نمی‌کند. من به عنوان یک شهروند این مملکت به این باورم که تنها جنگ دلیل مهاجرت هم‌وطنان ما نیست. شهروند افغانستان هستیم و حکومت افغانستان باید تضمین‌کننده‌ی زنده‌گی ما باشد نه حکومت‌های ایران و ترکیه.

بهترین تجربه شغلی این جوان کار در کشت‌زارهای خانواده‌اش بوده است. بنا این جوان آماده‌ی کار در فرصت‌های اعلان شده نیست. تعلیم ضعیف، امکانات ناچیز، زنده‌گی محدود و فشارهای زنده‌گی مقدمه مهاجرت این جوان می‌شود. عمر کم دارند، شغل مناسبی ندارند ولی خانواده در کنارشان در انتظار لقمه‌نانی است. قصه‌ی مهاجرت به ایران از این‌جا آغاز می‌شود، کمر می‌بندند و برای فرصت شغلی

انگلیسی معیار می‌شود، گاهی دانش کامپیوتر معیار می‌شود و گاهی هم تجربه. اما فرصت برای آموختن هیچ یکی از این‌ها را مراجع مسوول به شکل درست در سطح قریه و ولسوالی‌ها ایجاد نکرده است. جوان قریه‌نشین انگلیسی نمی‌داند، چون یا در مکتب معلم انگلیسی نداشته و یا هم برایش درست تدریس نشده، با کامپیوتر آشنایی ندارد اما شاید معلمی رسم کامپیوتر را به روی تخت سیاه برایش کشیده باشد و

چند روز می‌شود خبر کشته شدن مهاجرین افغان در اثر آتش گرفتن یک موتر در ولایت یزد ایران میان مردم افغانستان نگرانی برپا کرده است. صفحات اجتماعی نهایت اندوه و خشم مردم را در مقابل این اتفاق نشان می‌دهد. هنوز دقیق گزارش نشده است که حادثه چگونه بوده است. رویداد اتفاق افتاده می‌تواند یک حادثه باشد و اما دلیلی است برای ما تا عمیق‌تر از گذشته وارد این موضوع شویم و چاره‌ای بر ختم این حالت بسنجیم. حداقل تاریخ دو دهه گذشته گواه بوده است که از ایران انتظار بیش از این نداشته باشیم. یا مهاجران ما را معتاد فرستادند و یا هم کشته. اما گاهی ما در این ۲۰ سال با درک این حقیقت برای ختم این ماجرا راه‌حلی سنجدیده‌ایم؟ گاهی فکر کردیم ریشه این مهاجرت‌ها به غیر از جنگ دیگر در کجا است؟ نه.

قصه مهاجرت هم‌وطنان ما فقط با واژه‌ی جنگ پنهان شده و به دلایل فرعی این موضوع کسی درنگ نمی‌کند. من به عنوان یک شهروند این مملکت به این باورم که تنها جنگ دلیل مهاجرت هم‌وطنان ما نیست. شهروند افغانستان هستیم و حکومت افغانستان باید تضمین‌کننده‌ی زنده‌گی ما باشد نه حکومت‌های ایران و ترکیه.

من در این‌جا مختصراً به دلایل فرعی مهاجرت افغانان اشاره‌ی کوتاهی دارم. در افغانستان جوانان و مردمانی که در روستاها و قریه‌ها زنده‌گی می‌کنند از امکانات ناچیز زنده‌گی برخوردار اند. به فرصت‌ها و امتیازات دسترسی ندارند و خیلی نادر است که جوانی از قریه دور افتاده‌ای به پله‌های روشن زنده‌گی برسد. امکانات تعلیم در قریه‌ها خیلی کم و در سطح ضعیف است و زنده‌گی‌شان با بیل و قله‌گره خورده است. حکومت نتوانسته در قریه‌ها امکانات و کیفیت تعلیم و تحصیل را به شکل درست برساند، اما برای فرصت‌های شغلی لستی از شرایط می‌گذارد. گاهی

خشونت فزاینده

تجم‌الدین حسینی، دانشجوی فلسفه

است. هم‌دیگر پذیری یعنی درد «او» درد من هم است. همان چیزی که سعدی شیرازی می‌گفت: «چو عضوی به درد آورد روزگار/دیگر عضوها را نماند قرار». انسان افغانستانی که در یزد می‌سوزد، انسانی است که از من جدا نیست. من اگر در مقابل حق او حساس نباشم، انسان‌های دیگر و جامعه در پی احقاق حق من نیز نخواهند بود.

از نقطه‌نظر سیاسی و حقوقی، یک ابهام اساسی وجود دارد. دولت‌ها (دولت‌های مسوول در این قضیه) سیاستی ناروشن و پر از تناقض دارند. کسی پاسخ‌گو نیست. همه‌چیز پس از شعارهایی بررسی می‌کنیم، تحت بررسی است، پی‌گیری می‌کنیم، شما مهم هستید و... در حال‌های ابهام باقی می‌ماند. نتیجه آن می‌شود که پس از مدتی موضوع به تدریج سرد می‌شود و می‌خوابد. انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. در یک طرف قضیه ما با سیاستی مواجه هستیم که هرچیزی را که دوست ندارد، انکار می‌کند و از طرف دیگر، با سیاستی مواجه می‌شویم که همه‌چیز را پوشالی می‌بیند. چند روز شعاری می‌دهد، هیات تحقیق تعیین می‌کند، سپس هیات مورد نظر با نتیجه‌ی تحقیق برای همیشه خاموش می‌ماند. این‌جا است که آسیب‌دیده‌گان هم‌چنان بی‌پناه و مورد ستم باقی می‌مانند.

ما همیشه سخن از اشتراکات به میان می‌آوریم؛ اشتراکات مذهبی، زبانی و جغرافیایی. گاه هم از تاریخ مشترک حرف می‌زنیم. پس پرده‌ی این سخنان این است که نشان دهیم ما باهم هستیم و برای هم مهم. ما یک پیکریم در دو جسم. اما قبل از این که به این اشتراکات بپردازیم، هنجار باهمی مهم‌تری وجود دارد، آن ارزش، اشتراک انسانی و انسانیت است. انسانیت مستلزم آن است که درد و رنج را به صورت مشترک درک کنیم. ما مجاز نیستیم فضایی را بپذیریم که انسان امروز تنهاست و بی‌پناه‌تر از این باشد. اشتراکات زبانی و فرهنگی بدون تردید ارزش‌مند و جذاب است، اما اشتراک مهم‌تری هم هست.



حرف خیام گوش دهیم: «چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من». لازم است تا انسان امروز درک کند که هم‌دیگر پذیر باشد. اگر زنده‌گی حق من است، حق او نیز است. پس منبع حق ما یکی

است تا در برابر ناملایمات روزافزون بایستیم. حرف فراتر از این‌ها است؛ به صورت بالقوه استعداد خشونت‌ورزی و خشونت‌پذیری در ما نهفته است. این‌جا است که لازم می‌شود به این

به عنوان مقدمه بیان می‌کنم که در فلسفه، مخصوصاً فلسفه‌ی سیاسی، یکی از کارهای محوری نقد خشونت و منبع آن است. از همین جهت کار فلسفه پیچیده و دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا خشونت امروزی یک‌رنگ و تک‌منبع نیست. خشونتی که امروز با آن سروکار داریم، ممکن است هر لحظه لباسی را بر تن کند که با تجلی قبلی آن متفاوت است. یکی از دلایلی که ما با خشونت فزاینده روبه‌رو هستیم، همین رنگارنگ بودن و تنوع بیش از حد آن است.

انسان‌ها نیز به صورت‌های گوناگون خشونت‌پذیر اند. این به معنای رسمیت دادن به خشونت نیست، بلکه یادآوری از استعداد خشونت‌پذیری است که در وجود هر یک از ما نهفته است. ما در زمان‌های متفاوت با توجیه‌های گوناگون خشونت را به رسمیت می‌شناسیم. زمانی خشونت والدین را تحت نام تربیت و اولیای دم، در وهله‌ای خشونت معلم و استاد را به عنوان آموزگار، در مرحله‌ای هژمونی قوانین ظالمانه‌ی اجتماعی را با توجیه هنجارهای بدیهی و زمانی هم قوانین مملکتی را با توجیه امنیت و نظم عمومی، می‌پذیریم.

می‌شود پا را فراتر از این گذاشت. فیلسوفی می‌گفت ما ولی‌پذیریم، یعنی در جامعه‌ای که در آن زیست داریم، ولی‌های مختلف بر ما ولایت می‌کنند. این ولی می‌تواند پیش‌نماز مسجد، پدرکلان، افسر پولیس، والی شهر یا فقیه مملکت باشد. این ولی‌پذیری تا آن‌جا به پیش می‌رود که می‌بینیم ذوب ولایت شده‌ایم. می‌بینیم استحاله‌ای صورت گرفته که فقط پوستین ما باقی مانده و از محتوا خبری نیست.

این مقدمه را پیوند می‌دهم با به آتش کشیده شدن کارجویان یا پناهجویان افغانستانی که چند روز قبل در ولایت یزد ایران در آتش سوختند. سواً سوبه‌های سیاسی واقعه، ما چنان هدایت شده‌ایم و وجدان‌هامان به حدی به خواب رفته که فقط می‌توانیم تصویر ثبت کنیم. کاری دیگر از ما بر نمی‌آید. شاید لحظه‌ای به این فکر نکنیم که این خشونت منبعی دارد. یکی از اساسی‌ترین مسوولیت‌های ما، نقد و ایستاده‌گی در مقابل منبع زایش خشونت است. برای ما پسندیده

خروج زود هنگام سربازان امریکایی



جولیبرین نماینده مجلس سنای امریکا از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳ و جنرال متقاعد جک کین معاون اسبق معاون رییس ستاد کل ارتش امریکا که به صفت هیأت مدیره انستیتوت مطالعات جنگ نیز خدمت کرده اند در تحلیل این مقاله سهیم میباشند

رییس جمهور ترمپ قصد دارد امسال نیروهای امریکایی را از افغانستان بیرون کند که این اقدام، تسلیم شدن تحقیرآمیز و اشتباه فاجعه‌بار در مقابل دشمنی است که قبل از این، ما آن‌ها را شکست بزرگی داده‌ایم.

نظامیان ایالات متحده امروز در افغانستان با دشمن خون‌آشامی می‌جنگند که پلان کشتن امریکایی‌ها در خانه‌هایشان را طرح می‌کند. این پولیس بودن امریکا در افغانستان را نشان نمی‌دهد و نه این جنگ برای ملت‌سازی افغان‌ها می‌باشد. اجرای این ماموریت فقط در توان نیروهای امریکایی است و خروج قبل از وقت این نیروها، نه تنها افغان‌ها را بلکه امریکایی‌ها را نیز متضرر می‌سازد.

ایالات متحده در ۲۰۰۱ برای شکست دادن القاعده و اخراج آن‌ها از پایگاه‌هایی که از آن‌جا حمله یازدهم سپتامبر صورت گرفته بود و جلوگیری از بازگشت این گروه تروریستی وارد افغانستان شد. ما در سال ۲۰۰۲ به این هدف‌مان نایل گردیدیم اما پس از آن، تلاش‌ها برای یافتن راه برای خروج بدون اجازه به القاعده از افغانستان با چالش مواجه گردید که نه تنها القاعده از بین نرفت، بلکه اکنون گروه دولت اسلامی (داعش) در حال یافتن پناه‌گاه مهم و امن در این کشور است.

اشتباهات و عقب‌گردهای زیادی در این جریان صورت گرفت، اما رییس جمهور پیش از این دستور کاهش نیروهای امریکایی را داده است و امسال تعداد سربازان امریکایی را در افغانستان به زیر ۱۰ هزار تن می‌رساند، این تعداد برابر است به یک دهم نیروهایی که در اوج جنگ ایالات متحده در این کشور حضور داشته‌اند.

خروج پیچیده‌ی نیروها طی چند هفته، ریسک کردن در برابر خطری بی‌نهایت بزرگ است که احتمالاً به تلفات امریکایی‌ها منجر خواهد شد.

نیروهای امریکایی که امروز در افغانستان باقی مانده‌اند،

یک ماموریت روشن و محدود را انجام می‌دهند. آن‌ها مشغول کار ضد شورش نیستند، آن‌ها مشغول ملت‌سازی نیستند، آن‌ها پولیس نیستند، آن‌ها دیگر در درجه‌ی نخست از نیروهای افغان که با طالبان مبارزه می‌کنند، پشتی‌بانی نمی‌کنند، بلکه در عوض بالای مبارزه با القاعده و داعش به شیوه‌ای که تنها نظامیان ایالات متحده می‌توانند مبارزه کنند، متمرکز اند.

افغانستان به باتلاق بدل نگردیده است که ایالات متحده بخواهد خودش را از آن بیرون کند، بلکه یک بستر مهم و ضروری است که ایالات متحده نیاز دارد تا دشمنانش را در آن‌جا از میان بردارد.

حملات تروریستی ماه دسامبر در سواحل پیناسکولا و فلوریدا از جانب رهبران القاعده با استفاده از پناه‌گاه‌های امن در یمن، حمایت و طرح‌ریزی گردیده بود، اما هدف و تاثیر آن تا حدی محدود بود، زیرا ایالات متحده هم‌چنان به هدف قرار دادن و کشتن رهبران و تسهیل‌کننده‌گان کلیدی این گروه در یمن ادامه داد.

این به شدت نشان‌دهنده آن است که اگر گروه‌های تروریستی پناه‌گاه‌های امن‌شان را مانند یمن در افغانستان به دست بیاورند، آن‌ها آن‌جا را برای اجرای حمله بر سرزمین امریکا استفاده می‌کنند.

ترمپ وعده سپرده است که اگر تروریست‌ها حتا بعد

متکی است، جایی که فاقد پایگاه برای رسیدن به افغانستان است. این نشان می‌دهد که احتمالاً خروج از افغانستان برگشت‌ناپذیر خواهد بود.

ایالات متحده می‌تواند هزینه‌ی جنگ با القاعده در افغانستان را بپردازد. این ماموریت چند هزار سرباز مورد نیاز در افغانستان، بخش کوچکی از ارتش ایالات متحده و بخش کوچکی از بودجه دفاعی را تشکیل می‌دهد.

فرماندهان نظامی امریکا حضور نیروهای کم‌تری را حتا کم‌تر از تعداد کنونی پیشنهاد کرده‌اند که این تعداد اندک سربازان، یک سرمایه‌گذاری عاقلانه برای محافظت امریکایی‌ها در برابر القاعده است. اما اخراج تمامی نیروهای امریکایی مردم ایالات متحده را در معرض خطر قرار خواهد داد. تلفات ایالات متحده در افغانستان اندک بوده و باقی خواهد ماند و در حالی از هر زنده‌گی از دست‌رفته سوگوار و پشیمان خواهیم شد که می‌دانیم سربازان مرد و زن ما و همکاران نظامی‌شان به طور داوطلبانه جان‌هایشان را در راه دفاع از ملت و مردم‌شان در معرض خطرات و تهدیدات مرگ‌بار قرار داده‌اند و در مقابل آن غلبه نیز می‌کنند ولی هیچ‌گاهی نمی‌خواهند که این قربانی‌هایشان ضایع گردد.

آقای رییس جمهور، لطفاً شکست را بالای نیروهای امریکایی تحمیل نکنید و نگذارید این نیروها به شکل تحقیرآمیز، از مهم‌ترین جنبه در مقابل خطرناک‌ترین دشمنانمان عقب‌نشینی کنند.

بلی حق با شما است که ما نمی‌توانیم و نباید هم برای همیشه در افغانستان باقی بمانیم و افغان‌ها را در راستای ملت‌سازی کمک کنیم و این چیزی نیست که ما برای آن، آن‌جا (افغانستان) رفتیم و نه چیزی است که ما برایش امروز آن‌جا هستیم.

اما ما باید در افغانستان تا زمانی که نیاز است، باقی بمانیم و نیروی کوچک برای محافظت از امریکایی‌ها در مقابل کسانی که می‌خواهند ما را بکشند، نیاز است. نیروهای ما در افغانستان و هر جای دیگری که مستقر شده‌اند به درستی ماموریت‌شان را انجام داده‌اند. بگذاریدشان تا ماموریت‌شان را انجام دهند.

از خروج نیروها امریکایی تهدیدی برای امریکاییان متوجه سازند، هدف قرار خواهند داد، احتمالاً وی مدل یمن را برای افغانستان در سر دارد، اما افغانستان یمن نیست. نیروهای ایالات متحده می‌توانند با تعداد اندکی از نیروها، هر جایی را در یمن، سوریه، سومالی و لیبیا هدف قرار دهند، زیرا این کشورها دارای سواحل طولانی‌اند، اما افغانستان یک کشور محاط به خشکه است. خطرناک‌ترین مناطق آن کشور در اعماق دره‌های پوشیده از هزاران متر کوه‌های مرتفع و سربه‌فلک که بیش‌تر از ۷۰۰ مایل دوری از بحر قرار گرفته است. نیروهای امریکایی در افغانستان فقط می‌توانند از پایگاه‌های داخل افغانستان گروه‌های تروریستی را هدف قرار دهند و رها کردن این پایگاه‌ها به معنای رها کردن عملیات‌های مهم و مورد نیاز و عمدتاً موفقانه علیه این گروه‌ها خواهد بود.

هزینه بازگشت دوباره نیروهای امریکایی پس از خروج از افغانستان به مراتب گران‌تر از برگشت دوباره این نیروها به عراق پس از ظهور فاجعه‌بار حکومت اسلامی (داعش) خواهد بود.

در سال ۲۰۱۴ ایالات متحده به زیرساخت‌های لوژستیکی و پایگاه‌های دایمی در کشور کویت متکی بود، اما بر خلاف، ایالات متحده اکنون متکی بر راه مخاطره‌آمیز و بعضی اوقات پر از تهدید پاکستان

آیا واکسین ضد توبرکلوز می‌تواند ما را از کرونا محافظت کند؟

تحقیق مشابهی روی یک هزار تن در هالند نیز جریان دارد.

منابع معتبر بهداشتی چه می‌گویند؟

سازمان صحت جهان «WHO» می‌گوید که نتایج آزمایش‌های BCG ارزیابی خواهد شد و در حال حاضر واکسین BCG را برای پیش‌گیری از ابتلا به کووید-۱۹ توصیه نمی‌کند. اما در عین حال، هشدار می‌دهد، کشورهایی که از واکسین BCG برای محافظت نوزادان در برابر توبرکلوز استفاده می‌کنند، باید این کار را ادامه دهند.

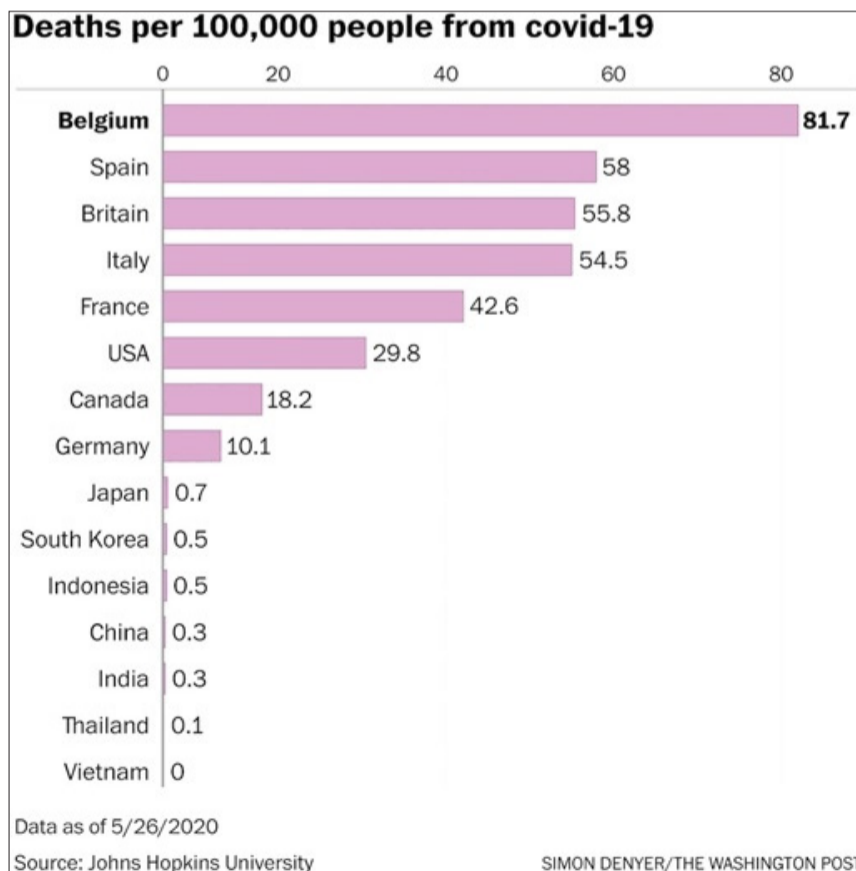
فشرده بحث

این‌که چرا فی‌صدی یا میزان مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در کشورهای مختلف متفاوت است، ایجاب پژوهش‌های بیش‌تر را می‌کند. با وجودی که در کشورهای فقیر و یا در حال توسعه‌ی آفریقایی و آسیایی امکانات کافی و لازم برای مبارزه با گسترش و ابتلا به ویروس کرونا در دسترس نیست، اما میزان مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در آن‌ها به مقایسه کشورهای اروپایی و امریکا کم‌تر است. مثلاً در بلجیم شمار وفات‌های ناشی از کرونا در هر ۱۰۰ هزار نفر به ۸۱.۷ نفر می‌رسد اما در هندوستان این رقم به ۰.۳ تن و در اندونزی به ۰.۵ تن می‌رسد.

عوامل دیگری هم می‌تواند اثرگذار باشد؛ مثلاً در اکثر کشورهای اروپایی، کهن‌سالی جمعیت یا Old Generation و کاهش نسبی نسل جوان به سبب کاهش تولید نیز یک عامل عمده شمرده می‌شود، چون می‌دانیم که ویروس کرونا کهن‌سالان را بیش‌تر ماووف می‌سازد.

ماخذ:

<https://www.covid-19facts.com/?p=84141>
<https://www.clinicaltrialsarena.com/news/australia-bcg-vaccine-trial-covid-19>



دکتر محمد اکبر حیدری، متخصص داخله عمومی در سوئد
ایمیل: akbar_haidary@hotmail.com

در این اواخر بحث‌های زیادی در مورد واکسین توبرکلوز و ارتباط آن با کاهش واقعات مرگ‌ومیر ناشی از کرونا سر زبان‌ها بوده است، اما آیا این موضوع یک شایعه است یا حقیقت.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد، کشورهایی که در آن، شهروندان در مقابل توبرکلوز واکسین شده‌اند و یا واکسین BCG شامل برنامه‌ی ملی واکسیناسیون آن‌ها می‌باشد، میزان مرگ‌ومیر به مراتب کم‌تری ناشی از کرونا دارند. دانشمندان فکر می‌کنند که تزریق واکسین توبرکلوز سیستم معافیتی فرد را در مقابل بعضی از بیماری‌ها از جمله کووید-۱۹ افزایش می‌دهد.

این مطالعات در مراحل ابتدایی‌اش است و لازم است تحقیقات و آزمایش‌های بیش‌تر در این مورد انجام یابد. در ایالات متحده، سوئد و سایر کشورهای اروپایی، واکسین BCG شامل پروگرام واکسیناسیون نوزادان نمی‌باشد، زیرا توبرکلوز در این کشورها معمول نیست. واکسین BCG بیش‌تر در کشورهای آسیایی و آفریقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که توبرکلوز هنوز هم یک مشکل اساسی در این کشورها محسوب می‌شود. برخی از این کشورها با وجود سطح پایین اقتصاد و تدابیر نه چندان بسیج‌شده برای پیش‌گیری و کنترل شیوع ویروس کرونا، در مقایسه با کشورهای اروپایی، موارد مرگ‌ومیر کم‌تر گزارش شده‌ای ناشی از کرونا داشته‌اند.

مبنای این ادعا چیست؟

در یک تحقیق پوهنتون «جان هاپکینز»، که یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌ها به شمار می‌رود که در آن ارتباط مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ و واکسین BCG به بررسی گرفته شده است، اما تا کنون نتیجه‌ی نهایی این

مطالعه اعلان نگردیده است. آمار ابتدایی این پژوهش نشان می‌دهد که میزان مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در کشورهایی که از واکسین BCG استفاده کرده‌اند، ۵.۸ برابر کم‌تر از کشورهایی است که از واکسین BCG استفاده نکرده‌اند. در استرالیا قرار است تحقیق دیگری نیز انجام یابد

که در آن در حدود چهار هزار کارمند صحتی از شفاخانه‌های مختلف از سراسر استرالیا اشتراک می‌کنند و بالای یک عده‌ی نامعلوم از این چهار هزار فرد واکسین توبرکلوز تطبیق می‌شود و بعداً توانایی این واکسین در کاهش شیوع، شدت و علایم کرونا ارزیابی خواهد شد.

نلمه‌ای به رییس جمهور؛

کنز جنگ‌زده نیازمند معارف فراگیر است

♦ جنرال ناصری، آمر معارف شهر کنز



جلالت‌مآب دکتر محمدشرف غنی، رییس جمهور منتخب جمهوری اسلامی افغانستان! السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته از آن جایی که درک می‌کنم ارزش معارف را بیش‌تر از هر کسی برای کشور می‌دانید و از آن جایی که من مدت‌ها در معارف کنز کار کرده‌ام، لازم دیدم برای مدیریت بهتر و توسعه‌ی معارف کنز، لازمه‌هایی را که با حس کردن واقعیت‌ها درک کرده‌ام، با شما در میان بگذارم. یافته‌های من در این نوشته به شما، در واقع طرح جامعی است که در ذهنم برای معارف کنز دارم.

جناب رییس صاحب‌جمهور! شرایط ناگوار امنیتی، متأسفانه بیش‌تر از همه، ضربه‌های مستدامش را بر پیکر معارف و تعلیم و تربیت می‌زند. در این گونه شرایط، کودکان به جای درس خواندن و مکتب رفتن، در کنج خانه‌ها از هراس جنگ پنهان می‌مانند و یا به خاطر از دست دادن سرپرست، به سرپرستان خانواده بدل می‌شوند و به کارهای شاق می‌پردازند و آسیب‌های بیش‌تری را می‌پذیرند.

والدین در مناطقی با شرایط ناگوار امنیتی، مثل کنز، کم‌تر علاقه‌مندی دارند تا کودکان‌شان در مسیره‌های پرخطر از لحاظ امنیتی به مکتب بروند. اما واقعیت امر این است که با وجود این همه نگرانی، آموزش‌دهی و باسوادسازی نسل آینده، از ضرورت‌های جدی برای یک جامعه خلاق است و باید تحت هر شرایطی، مسیری برای تعلیم و تربیت گشوده شود.

در کنار مسایل بالا، رفت‌وبرگشت، آماده‌گی روحی و حضور ذهنی معلمان در مکتب و تدریس در شرایط ناگوار امنیتی، از مسایل مهمی است که به مدیریت هوش‌مندانه، مدیرانه و مردمی در مناطق جنگی نیاز دارد.

اگر بخواهیم اول جنگ به پایان برسد و سپس کار روی معارف و تعلیم و تربیت آغاز شود، زمانی بزرگ را به عبث می‌گذرانیم. متأسفانه بیش از چهار دهه است که جنگ در کشور جریان دارد، قربانی جانی، مادی و معنایی می‌گیرد و هنوز به طور قابل اطمینان، راه‌حل قطعی‌ای برای پایان این نبرد تصورشدنی نیست. به همین خاطر است که راه‌حلی باید یافت تا مکتب‌ها همیشه باز باشند و جریان آموزش‌دهی ادامه داشته باشد.

من با دریافت‌هایی که از ۱۶ سال کار در معارف کنز دارم، این طرح را برای بالنده‌شدن معارف این ولایت تهیه کرده‌ام که بخش‌هایی از آن را در این نوشته گنجانیده‌ام، تا به آن‌ها توجه شود.

من با ۱۶ سال کار در بخش‌های مختلف معارف ولایت کنز و با د دوستد با جوامع مختلف این ولایت، داشتن ارتباط وسیعی با متنفذان اثرگذار بر طرف‌ها و اعتماد متقابل میان من و مردم مستفیدشونده از خدمات وزارت معارف در این ولایت، به این باور رسیده‌ام که در اداره‌ی بهتر معارف ولایت‌ها، نیاز است بر اساس مطالعات جامعه‌شناختی و درک مسایل ولایتی و ارتباط گسترده

۴- کار مستدام اعتمادسازی. مطمئناً طرف‌های جنگ در مواردی خواهند خواست تا بهانه‌سازی کنند و مشکلاتی را برای معارف شکل بدهند. اما کار اعتمادسازی برای غیرسیاسی بودن معارف و نیز جریان‌دهی باور میان معارف و مردم و روند مردمی‌سازی معارف باید هم‌چنان و همواره ادامه یابد. برای این کار ضرورت است که شورای مردمی معارف ولایت، با حضور متنفذان واقعی که قدرت اثرگذاری بر طرف‌های درگیری را دارند، شکل بگیرد. باید مکاتب، معارف، زمان‌های رفت‌وبرگشت متعلمان و معلمان را طرف‌های جنگ، جز مناطق غیرجنگی بشناسند و قبول کنند که این مناطق را به هیچ صورتی آسیب نمی‌زنند.

۵- به صورت بسیار ریشه‌ای، باید فساد و زمینه‌های آن در معارف ولایت کنز از میان برداشته شود. این کار، زمینه‌های آفرینش اعتماد میان مردم و معارف را بیش‌تر می‌کند. همان‌طوری که موجودیت فساد در معارف، می‌تواند سبب دوری بیش‌تر مردم از معارف و بی‌تأثیر تعلیم و تربیت گردد، برداشتن گام‌هایی در مبارزه با فساد، کاهش و در نهایت از بین بردن این پدیده‌ی مهلک، می‌تواند موج عظیمی از حمایت‌های مردمی از معارف را شکل بدهد.

۶- حمایت جدی از فعالان معارف. اصطلاح فعالان معارف را می‌توان به کسانی که در فعال نگه‌داشتن مکتب‌ها، فعال‌ماندن آموختن و آموختاندن کار می‌کنند، به معلمان، به متنفذان و به تمامی پرسونل صادق معارف به کار برد. وزارت معارف در کشور و در ولایت کنز، ریاست معارف، باید به طور بسیار مستدام، در کنار مجازات (مرتب بر اساس قانون) رسمی کارمندان خاطی، از فعالان معارف حمایت کند. حمایت از فعالان معارف خارج از تشکیل معارف، با ارایه‌ی تحسین‌نامه‌ها توسط ریاست معارف و مردم ولایت، می‌تواند صورت بگیرد. حمایت از فعالان معارف داخل تشکیل معارف، می‌تواند با ارایه‌ی به موقع معاش و امتیازات و در صورت کار فراتر از انتظار، با تحسین‌نامه و تقدیرنامه عملی شود. هم‌چنان به منظور رشد بیش‌تر دانش و تفکر شاگردان، باید برنامه‌های رقابتی در همکاری با رسانه‌های محلی در سطح ولایت راه‌اندازی شود تا شاگردان به آموزش بیش‌تر تشویق شوند و کل جریان فعالیت معارف، ثمربخش شود؛ رقابت، میزان علاقه‌مندی کودکان بیرون از مکتب به حضور در مکتب را بیش‌تر می‌سازد.

از آن جایی که معیار روزنامه‌ی وزین ۸ صبح بر طولانی نوشتن حکم نمی‌کند، این بخش نوشته را در همین جا قطع می‌کنم.

در پایان یک بار دیگر، با تجربه و تخصصی که من در بخش معارف دارم، به این باورم که اگر مدیریت معارف یک ولایت، بر اساس مردم‌شناسی و جامعه‌شناختی و چگونگی جوانب ذی‌دخل و مسایل حاضر دیگر بنا شود و تصمیم‌گیری‌ها بر همان بنیادها باشد، معارف آن ولایت در کوتاه‌مدت به درختی پر از میوه‌های دانش، بدل می‌شود و زمینه‌های بهتر رشد معارف آن ولایت فراهم می‌گردد.

فعال‌سازی دایمی مکاتب بر اساس فشار متنفذان بر همه‌ی طرف‌های درگیری است. من شناختی که از جامعه‌ی کنز در بخش برخوردشان با معارف دارم، این است که در این ولایت، بخش بسیار کلانی از جمعیت، طرف‌دار دریافت خدمات تعلیم و تربیت است و باید آنان هم‌سو شوند تا زمینه‌ی فعالیت مداوم معارف در تمام نقاط کنز فراهم گردد.

از آن جایی که این خواست اکثریت قاطع مردم است و نیز به این دلیل که تعلیم و تربیت در قانون اساسی کشور تا ختم دوره‌ی متوسطه جبری می‌باشد، نیاز است، اگر موارد آتی، در مدیریت معارف ولایت‌های آسیب‌پذیر از جنگ، به ویژه کنز مد نظر گرفته و عملی شود، تا فصلی جدید از فراگیری تعلیم و تربیت و توسعه‌ی خدمات معارف در این ولایت باز شود:

۱- به طرف‌های درگیر به صورت بسیار واضح و عملی، از طریق مجراهای مطمئن فهمانده شود که معارف تنها متعلق به مردم افغانستان است؛ حفاظت و تداوم کار این جریان که ملکیت ملت است، وظیفه‌ی همه‌گان است. متنفذان می‌توانند تضمین‌های اجرایی برای حفاظت از تاسیسات معارف را از طرف‌های جنگ به دست بیاورند.

۲- بارها دیده شده است که در مناطق جنگی، ساختمان‌های مکاتب به پوسته‌ها و مرکزهای طرف‌های درگیر بدل شده است. این وضعیت باید خاتمه یابد. باید با فشارهای مردمی بر طرف‌های درگیری، وضعیتی به میان بیاید که ساختمان‌های معارف، نه تنها از جانب هر دو طرف سوء استفاده قرار نگیرند، بلکه طرف‌ها تضمین بدهند که مکاتب را حفاظت می‌کنند و به آن‌ها آسیب نیز نمی‌زنند.

۳- نمونه‌های موفق فعالیت معارف در شرایط جنگی، بر مناطق دیگر تعمیم داده شود. مثلاً زمینه‌هایی که وضعیت فعال معارف در معارف شهر کنز با وجود وضعیت جنگی را شکل داده است، باید موبه‌مو در ولسوالی‌ها و مناطق دیگر ولایت گسترش یابد.

با مردم پرنفوذ هر ولایت در میان طرف‌های جنگ، تضامیم بخردانه‌ای گرفته و عملی شود. خوش‌بختانه جناب شما همواره و به شدت روی غیرسیاسی کردن معارف تأکید کرده‌اید که نتایج موثری به دنبال داشته است. من شخصاً تجربه‌ی موفق کار برای غیرسیاسی کردن مکاتب و معارف را در حوزه‌ی کاری‌ام در معارف شهر کنز دارم و از مزیت‌های آن آگاهی کافی دارم.

ولایت کنز نسبت به هر ولایت دیگر کشور، گواه ناامنی‌ها بوده است. حداقل دو بار در جریان شش سال اخیر سقوط کرده است و متأسفانه حلقه‌ی حضور جنگ در نزدیکی مرکز هنوز هم هست و جریان فعال معارف باید با وجود همین مشکل، ادامه داشته باشد.

من از هفت سال به این سو و در همین شرایط دشوار، آمر معارف شهر ولایت کنز هستم و در این مدت با وجود این که تهدیدات بلند نظامی و امنیتی وجود داشته است، اما توانسته‌ام با برقراری رابطه‌های مورد نیاز برای حفظ جریان خدمت‌رسانی معارف، با متنفذان، زمینه‌ی باز ماندن همه‌ی مکاتب معارف شهر کنز را فراهم سازم.

این کار به ساده‌گی ممکن نبوده است و به مدیریت پویا و مبتکر نیاز داشته است. من شب و روز برای به میان آمدن این وضعیت کار کرده‌ام تا رضایت طرف‌ها به دست آمده و مکاتب فعال شده و فعال باقی مانده است.

من با به کارگیری از دانش مردم‌شناسی، کاری و عملی‌ام در کنز، توانستم با شناساندن واقعیتی به نام ضرورت تعلیم و تربیت بر همه‌گان، به متنفذان اثرگذار بر طرف‌های درگیری، خطرهای احتمالی بر معارف شهر کنز را کاهش بدهم.

اگر خواسته باشیم به همه‌ی مناطق ناامن، خدمات تعلیم و تربیت را ارایه کنیم، یگانه روش موثر و مفید آن در کنار غیرسیاسی‌سازی کامل معارف، تصمیم‌گیری بر اساس مردم‌شناسی و کار برای

چالش‌های آموزش آنلاین در افغانستان



۴. غیرحاضر بودن دانشجویان. معمولاً تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد دانشجویان در صف‌های آنلاین حضور دارند. از میان ۵۰ دانشجو، ۱۰ الی ۱۵ تن در صف آنلاین حضور دارند و متباقی به دلایل گوناگون غیرحاضر اند.

باید یادآور شد که یکی از دلایل عمده‌ی آن دسترسی نداشتن دانشجویان به اینترنت است.

۵. قیمت بلند و کیفیت پایین اینترنت. یکی از چالش‌های دیگر که دانشجویان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، قیمت بلند و کیفیت بسیار پایین اینترنت است. در بسیاری موارد حتا ویدیوهایی که برای رهنمود دانشجویان فرستاده می‌شود به صورت درست «پلی» نمی‌شود. از سوی دیگر قیمت گزاف اینترنت در شرایطی که بیش‌تر از نیم شهروندان جامعه زیر خط فقر به سر می‌برند، مشکلات اقتصادی را برای دانشجویان به بار آورده است.

در پایان، با در نظر داشت موارد یادشده، خواست اکثریت دانشجویان از وزارت تحصیلات عالی این است که در این

۱. نامنظم بودن درس‌ها. در روش آموزش از راه دور، دروس دانشگاه‌ها هم‌مانند شیوه‌ی کلاسیک به گونه منظم و هم‌روزه به پیش برده نمی‌شود. بعضی از روزها درس وجود دارد و در بعض روزها هم خبری از لکچر و درس استاد نیست.

۲. نبود مدیریت زمان و ضایع شدن وقت. حاضر نبودن دانشجویان و استادان مطابق به وقت تعیین شده، یکی دیگر از چالش‌هایی است که در این روزها دامن‌گیر دانشجویان شده است. اگر مطابق تقسیم اوقات، ساعت درسی هشت صبح باشد، دانشجویان و استاد مضمون تا ساعت نه صبح حاضر نمی‌شوند و در نهایت لکچر استاد پیش از ساعت ۱۰ صبح آغاز نخواهد شد.

۳. کیفیت پایین اینترنت. به دلیل پایین بودن کیفیت اینترنت کیفیت صدای استاد خیلی پایین است و قطع و وصل می‌شود که دانشجویان به شکل درست از آن نمی‌توانند بیاموزند که این سبب دل‌سردی آن‌ها از آموزش آنلاین شده است.

پس از آن‌که در حوت سال گذشته، نخستین رویداد مثبت ویروس کرونا در کشور به ثبت رسید، حکومت افغانستان برای یک ماه مکاتب و دانشگاه‌ها را تعطیل کرد. وزارت تحصیلات عالی به خاطر جلوگیری از آغشته شدن دانشجویان به ویروس کرونا و از سویی هم با در نظر گرفتن این‌که آموزش دانشجویان به پیش برده شود، روش تدریس از راه دور (آنلاین) را روی دست گرفت. در آن زمان به گفته وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی، شرکت‌های مخابراتی تعهد بلند بردن کیفیت اینترنت و پایین آوردن قیمت‌های آن را برای دانشجویان سپرده بودند؛ تعهدی که به زودی به فراموشی سپرده شد و تا کنون عملی نشده است. اما وزارت تحصیلات عالی روش آموزش از راه دور را روی دست گرفته و عملاً دروس دانشگاه‌های دولتی با استفاده از سیستم مدیریت آموزش تحصیلات عالی (HELMS) جریان دارد.

آموزش آنلاین در کنار سهولت‌هایی که به وجود آورده، چالش‌هایی را نیز دامن‌گیر دانشجویان و استادان نیز کرده است که به باور این قلم، مهم‌ترین چالش‌های آن قرار ذیل است:



ایوب‌احمد شریفی
دانشجوی دانشگاه پروان

حیف و میل صدها هزار دالر در مرز تورغندی هرات



سیدحسن حسینی

اسناد رسیده به ۸ صبح نشان می‌دهد که عواید دولت از طریق صدور «رودپاس» به موترهای باربری در بندر تورغندی هرات، از روزهای بعد از شیوع ویروس کرونا به صفر رسیده است اما روند ورود موترهای باربری متوقف نشده است.

۸ صبح دریافته که عواید دولت از درک صدور ویژه و «رودپاس» به موترهای باربری در بندر تورغندی هرات، در حالت عادی و طی یک ربع سال، دست کم نیم میلیون دالر امریکایی تخمین زده می‌شود، اما در ماه‌های اپریل و می این رقم به صفر رسیده است. بر بنیاد این اسناد، کنسولگری افغانستان در شهر ماری ترکمنستان با درک شرایط، وضعیت حاکم بر مرز تورغندی را با ریاست نماینده‌گی ارتباط خارجه در میان گذاشته است. ریاست نماینده‌گی ارتباط خارجه هم با فرستادن مکتوب به دفتر والی هرات، از اداره‌ی محلی هرات خواسته که این قضیه را از طریق اداره‌های دولتی پی‌گیری کند. با شیوع ویروس کرونا در افغانستان، مراودات اقتصادی و ترانزیتی این کشور با کشورهای همسایه نسبت به دوران قبل از کرونا کم‌رنگ شده است.



ارتباط خارجه در هرات صادر شده، «درخواست» شده که از «حیف و میل عواید دولت در بندر تورغندی جلوگیری شود». در این مکتوب آمده که عواید دولت از صدور رودپاس و ویژه به اتباع ترکمنستان در مرز تورغندی تا قبل از شیوع ویروس کرونا به نیم میلیون دالر امریکایی می‌رسید اما به تدریج از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۵ تا ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ این رقم به صفر تقرب کرده است. در مکتوب آمده که هنوز هم موترهای باربری بدون پرداخت رودپاس وارد خاک افغانستان می‌شوند.

ارتباط خارجه در هرات صادر شده، «درخواست» شده که از «حیف و میل عواید دولت در بندر تورغندی جلوگیری شود». در این مکتوب آمده که عواید دولت از صدور رودپاس و ویژه به اتباع ترکمنستان در مرز تورغندی تا قبل از شیوع ویروس کرونا به نیم میلیون دالر امریکایی می‌رسید اما به تدریج از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۵ تا ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ این رقم به صفر تقرب کرده است. در مکتوب آمده که هنوز هم موترهای باربری بدون پرداخت رودپاس وارد خاک افغانستان می‌شوند.

اداره محلی هرات در جریان است

اطلاعات رسیده به ۸ صبح هم‌چنان نشان می‌دهد که در ۱۳۹۹/۰۲/۰۹ نماینده‌گی وزارت خارجه در هرات، مکتوب شماره‌ی ۸۵ خود با موضوع «وارد شدن موترهای باربری ترکمنستان به داخل بندر تورغندی بدون رودپاس» را به دفتر والی هرات فرستاده است. در مکتوب این نماینده‌گی نوشته شده که در زمان قبل از شیوع ویروس کرونا با وجود ظرفیت بالای بندر تورغندی، بیش‌تر از نیم میلیون دالر امریکایی درآمد را از درک صدور رود پاس و ویژه طی هر ربع سال به طور اوسط تحویل دولت می‌کرد. بنا بر همین مکتوب، بندر تورغندی هرات ظرفیت درآمد بیش‌تر از این مبلغ را هم در گذشته داشته و عواید اصلی این بندر بیش‌تر از این رقم‌ها می‌توانست باشد.

اطلاع‌دهی کنسولگری افغانستان در ماری

یافته‌های ۸ صبح حاکی از آن است که صدها هزار دالر امریکایی از زمان شیوع ویروس کرونا در افغانستان، در بندر تورغندی هرات حیف و میل شده است. بر بنیاد اسناد رسیده به ۸ صبح، از مدت پیش‌تر از سه ماه به این طرف، موترهای باربری از ترکمنستان بارگیری شده و بدون پرداخت تعرفه‌ی رودپاس از مرز تورغندی در هرات رد شده، داخل کشور شده‌اند. کنسولگری افغانستان در شهر ماری ترکمنستان این موضوع را در اوایل ماه گذشته خورشیدی با فرستادن مکتوب به ریاست نماینده‌گی ارتباط خارجه در هرات با مسوولان محلی در میان گذاشته است. اطلاعات رسیده به ۸ صبح نشان می‌دهد که در مکتوب شماره ۳۹ که به تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۴ از آدرس کنسولگری افغانستان در شهر ماری ترکمنستان به ریاست نماینده‌گی

هرات، کمیساری سرحدی بندر تورغندی، ریاست سوم سیاسی، سفارت افغانستان مقیم عشق‌آباد ترکمنستان و کنسولگری افغانستان در شهر ماری ترکمنستان فرستاده شده است. خواستیم که با نجیب‌الله علی‌خیل، سفیر افغانستان در ترکمنستان در مورد این اسناد صحبت کنیم اما وی حاضر به صحبت نشد.

یونس رهنورد، رییس اداره ترانسپورت هرات می‌پذیرد که از چند وقت به این طرف موترهای باربری از ترکمنستان بدون رودپاس وارد ساحه گمرک تورغندی شده و پس از تخلیه در گمرک، دوباره به ترکمنستان بر می‌گردند. آقای رهنورد می‌افزاید که مکتوب نماینده‌گی ریاست ارتباط خارجه به این اداره رسیده است و امور قانونی در مورد آن طی یکی دو روز آینده اجرا خواهد شد. رییس این اداره تصریح می‌کند که قانون ترانسپورت در زمینه‌ی ورود موترهای باربری بدون رودپاس از سایر کشورها به داخل، شفافیت دارد اما نیاز است که از مرکز کشور هم طرزالعمل برخورد با این قضیه ترتیب شود.

آقای رهنورد اضافه می‌کند که ساحه فعالیت ترانسپورت هرات مشخصاً به بیرون از منطقه‌ی گمرک تورغندی این ولایت محدود شده است اما با طرزالعملی که از طرف وزارت ترانسپورت در این زمینه ساخته شده، این مشکل برطرف خواهد شد.

آغاز بررسی‌های ولایت هرات

در همین حال اداره محلی هرات می‌گوید که مکتوب ریاست ارتباط نماینده‌گی خارجه به دفتر والی هرات رسیده و مسوولان دولتی موظف شده‌اند که قضیه را پی‌گیری کنند.

جیلالی فرهاد، سخنگوی والی هرات می‌گوید که تمام نگرانی و پیشنهادهایی را که در مکتوب ریاست ارتباط نماینده‌گی خارجه هرات ذکر شده، از سوی مسوولان محلی به صورت همه‌جانبه بررسی می‌شود و نتیجه آن بعداً اعلان خواهد شد.

گفتنی است که حجم واردات افغانستان از ترکمنستان از طریق بندر تورغندی هرات به حدی وسیع است که همه روزه تانکرهای تیل، گاز و سایر موترهای حاوی محموله‌های مواد مصرفی وارداتی از این مرز وارد شده و به ولایت‌های هرات، غور، بادغیس، قندهار، زابل، ارزگان، غزنی، لوگر، دایکندی، میدان وردک و کابل فرستاده می‌شوند. با این وصف دیده شود که نتیجه تحقیق اداره محلی و مسوولان دولتی در هرات پیرامون این قضیه چیست و چه وقت رسانه‌ای می‌شود.

کرونا هم‌چنان در حال اوج‌گیری، ادعای مرگ‌ومیر روزانه ۳۰ بیمار در هرات



محمدحسین نیکخواه

یک عضو شورای ولایتی هرات ادعا دارد، یافته‌های او نشان می‌دهد، روزانه دست‌کم بین ۳۰ تا ۴۰ تن به دلیل بیماری کووید-۱۹ در شهر و ولسوالی‌های این ولایت، جان می‌دهند و آمار آرایه شده از سوی صحت عامه، غیرواقعی است.

ریاست مبارزه با کرونا در هرات، می‌پذیرد که طی روزهای اخیر، روزانه ۳۰ مورد فوتی در این شهر ثبت شده است، اما از دید این نهاد، تنها افرادی که آزمایش شده باشند، در فهرست قربانیان کرونا، ثبت می‌شوند.

آمار رسمی ریاست صحت عامه هرات نشان می‌دهد، طی ۱۴ روز گذشته ۳۱ تن به دلیل بیماری کووید-۱۹ جان‌باخته‌اند، اما آگاهان امور پزشکی باور دارند، شمار قربانیان، تفاوت زیادی با آمار رسمی دارد.

از نظر فعالان مدنی، کم‌بود امکانات برای آزمایش، بزرگ‌ترین مشکل سکتور صحت در مهار بیماری کووید-۱۹ است و همین مسأله، سبب تفاوت میان آمار رسمی و آمار غیررسمی شده است.

آمار رسمی کرونا غیرواقعی است

از زمان ثبت نخستین مورد مثبت بیماری کووید-۱۹ در هرات، حدود چهار ماه می‌گذرد، در این مدت بر اساس آمار رسمی حکومت، ۶۶ تن به دلیل ابتلا به این بیماری جان‌باخته‌اند. برخی از اعضای «ستاد مبارزه با کرونا» در هرات باور دارند، شمار مبتلایان و مرگ‌ومیر، خیلی بیش‌تر از آمار رسمی است که از سوی صحت عامه همه‌گانی می‌شود. داکتر نوراحمد حیدری، عضو ستاد مبارزه با کرونا و عضو شورای ولایتی هرات، در صحبت با ۸ صبح می‌گوید تعداد مبتلایان و قربانیان کرونا، در حال افزایش است. به گفته‌ی

او، ظرفیت آزمایش کرونا، در هرات اندک است و میزان تلفات واقعی، با آمار رسمی تفاوت زیادی دارد.

وی می‌افزاید، بر اساس گزارش‌های مردمی و یافته‌های خودش، در شهر و ولسوالی‌های هرات، روزانه ۳۰ تا ۴۰ تن به دلیل ابتلا به بیماری کووید-۱۹ جان‌های‌شان را از دست می‌دهند، اما حکومت آمار افرادی که خارج از شفاخانه‌ها فوت می‌شوند را ندارد.

آقای حیدری توضیح می‌دهد که شمار زیادی از بیماران کووید-۱۹ خارج از شفاخانه‌های دولتی، در خانه‌ها و مراکز درمانی غیردولتی فوت می‌شوند، اما ریاست صحت عامه تنها آمار افرادی را به عنوان فوتی‌های کرونا آرایه می‌کند که در شفاخانه‌های اختصاصی این بیماری جان باخته‌اند.

آگاهان امور پزشکی نیز باور دارند، جان‌باختن روزانه ۳۰ تا ۴۰ تن به دلیل ابتلا به کرونا در هرات، واقعیت دارد و با افزایش چشم‌گیر افراد آلوده به ویروس و اوج گرفتن بیماری، ممکن تعداد قربانیان از این هم بیش‌تر باشد.

هشدار پزشکان از پی‌آمدهای خطرناک پنهان‌کاری حکومت

برخی اعضای اتحادیه داکتران هرات باور دارند، آمار رسمی آرایه شده از سوی صحت عامه در پیوند به مبتلایان و قربانیان کرونا، غیرواقعی است. داکتر نثاراحمد مصدق، رییس این اتحادیه، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید شمار زیادی از بیماران با نشانه‌های کرونا، خارج از شفاخانه‌ها فوت می‌شوند و حکومت در مورد آنان آمار درستی ندارد.

او می‌افزاید، طی روزهای اخیر، دست‌کم دو عضو فامیل و ۱۲ تن از دوستانش، به دلیل بیماری کووید-۱۹ خارج از شفاخانه جان‌باخته و از سوی اعضای فامیل‌شان دفن شدند، اما مرگ آنان در میان قربانیان کرونا، ثبت نشده است.

آقای مصدق هشدار می‌دهد، پنهان‌کاری حکومت و نهادهای صحتی در آرایه‌ی آمار واقعی قربانیان کرونا، می‌تواند پی‌آمدهای خطرناکی به دنبال داشته باشد و با گسترش بیماری، کار به جایی برسد که دیگر حکومت محلی هرات و حکومت مرکزی نتوانند همه‌گیری ویروس را کنترل کنند.

از جانب دیگر، اعضای «مجمع عمومی مبارزه با کرونا در هرات» باور دارند، به دلیل کم‌بود امکانات برای آزمایش، احتمال دارد آمار رسمی در مقایسه با آمار غیررسمی، تفاوت داشته باشد.

عبدالقدیر صالحی، عضو این مجمع، در صحبت با ۸ صبح می‌گوید که مردم هنوز هم کرونا را جدی نگرفته‌اند و با وجود افزایش چشم‌گیر مبتلایان و مرگ‌ومیر، بازهم موارد بهداشتی رعایت نمی‌شود.

آمار رسمی طی ۱۴ روز اخیر

آمار رسمی آرایه شده از سوی ریاست صحت عامه هرات نشان می‌دهد، طی ۱۴ روز گذشته از تاریخ پنجم تا هژدهم جوزای سال روان، ۳۱ تن به دلیل بیماری کووید-۱۹ در این ولایت جان‌باخته است.

داکتر زمی حصین، رییس مبارزه با کرونا در هرات، به ۸ صبح می‌گوید در جریان روزهای اخیر، هر ۲۴ ساعت حدود ۲۰ تا ۳۰ تن از ساکنان هرات فوت کرده‌اند، اما از دید این نهاد، همه‌ی فوتی‌ها کرونایی نیستند و تنها افرادی که آزمایش‌شان

مثبت باشد، در فهرست فوتی‌ها ثبت می‌شوند. وی می‌افزاید، در برخی موارد که بیماران برای درمان به شفاخانه‌های اختصاصی کرونا انتقال می‌یابند و در این مراکز پس از بستری‌شدن جان می‌دهند، باوجود فوت‌شدن در شفاخانه، بدون انجام آزمایش، در فهرست فوتی‌های کرونا ثبت نمی‌شوند.

جدول آمار رسمی مبتلایان و فوتی‌های بیماری کووید-۱۹ طی ۱۴ روز گذشته در هرات

تاریخ	تعداد فوتی	تعداد مبتلایان جدید
۱۳۹۹/۰۲/۰۱	۱	۲۲
۱۳۹۹/۰۲/۰۲	۰	۲۵
۱۳۹۹/۰۲/۰۳	۲	۱۰-۸
۱۳۹۹/۰۲/۰۴	۲	۱۳-۸
۱۳۹۹/۰۲/۰۵	۷	۱۹-۸
۱۳۹۹/۰۲/۰۶	۰	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۰۷	۲	۱۱-۱
۱۳۹۹/۰۲/۰۸	۰	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۰۹	۲	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۱۰	۲	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۱۱	۰	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۱۲	۰	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۱۳	۰	۱۱-۷
۱۳۹۹/۰۲/۱۴	۲	۱۱-۷
جمع کل آمار طی ۱۴ روز	۲۱	۱۱۴۲

مقایسه‌ی آمار رسمی حکومت و آماري که برخی اعضای «ستاد مبارزه با کرونا» آرایه می‌کنند، تفاوت زیادی را آشکار می‌کند و اگر آمار صحت عامه غیرواقعی و آمار منابع دیگر واقعیت باشد، شمار مرگ‌ومیر ناشی از کرونا، خیلی بیش‌تر از آمار رسمی صحت عامه است.

آمار ریاست صحت عامه هرات، هر ۲۴ ساعت یکبار، از سوی این نهاد نشر می‌شود و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد، از میان نزدیک به دو هزار بیمار جدید که طی ۱۴ روز گذشته به شمار مبتلایان اضافه شده‌اند، ۳۱ تن جان باخته‌اند که با این حساب، میزان مرگ‌ومیر مبتلایان حدود ۱.۵ درصد است.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
معاون مدیرمسول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، علی‌شاه حقمیل، عبدالاحد حسینی، حسیب بهش، سیدحسن حسینی و محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.ن.ن

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

مستر دیت کارت

مستر دیت کارت همراه با خدمات گسترده، متناسب با نیازها و شرایط مالی شما میباشد. کارت متنفره به سانگی با حساب مشتری عزیز با یک ارتباط دارد تا مشتری به پول خود در هر نقطه دنیا دسترسی داشته باشد.

- در بیشتر از 25 ملیون فروشگاه های سراسر جهان قابل پذیرش بوده و همچنان در کارت متنفره در فروشگاه های تجاری انتخاب شده، تخفیف مناسب در نظر گرفته میشود.
- پذیرش در ماشین های خود پرداز صرافیه برای برداشت سریع پول نقد در افغانستان و کشور های خارجی، برداشت مجانی پول نقد از همه ماشین های خود پرداز صرافیه عزیز بانک

www.azizbank.af 1515



ضرورت تدوین دکترین امنیت ملی در کشور و نقش آن در بهبود عمل کرد نیروهای امنیتی - دفاعی



مهندس میرحیدر افضلی،
رئیس کمیسیون دفاعی
و تمامیت ارضی مجلس
نمایندگان

در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با بستر مناسب امنیتی و ثبات سیاسی در داخل کشور و یافتن متحدانی که در شرایط ضروری از توان همکاری با کشور برخوردار باشند، فراهم آوردن زمینه‌هایی که می‌توانند در سطح بین‌الملل به توجه بیش‌تر به افغانستان و ثبات سیاسی و صلح در آن کمک کنند و مسایلی از این دست، ضرورت تدوین چنین سیاست و دکترینی را در پرتو تعاملات در منطقه و جهان و بر وفق واقعیت‌های عینی الزامی می‌سازد. مجموع عواملی بیرونی و داخلی نشان می‌دهد که تلاش‌ها در جهت تدوین چنین دکترینی در صورتی موثر خواهد بود که اساس کار ایجاد مکانیزم‌ها و عمل کرد دولت، گذار از شکل مقطعی به دائمی و راهبردی را تجربه کند و از اتخاذ سیاست‌های روزمره‌گی اجتناب شود. در ضمن، در این دکترین با زمینه‌های عمل کرد متقابل در برابر تهدیدهایی که امنیت ملی افغانستان را با خطر مواجه ساخته‌اند، اقدامات پایه‌ای برای تدوین دکترین امنیت ملی را پی‌ریزی کنیم که با تغییر حکومت و دولت‌مردان، اساس دستور کار امنیتی تغییر نکند. به بیان دیگر، پایه‌های امنیت ملی در کشور ثابت باشد و بسته به شرایطی که در موقعیت‌های مختلف به وجود می‌آید، توسط اجماع دستگاه‌های امنیتی کشور، بدون دست‌بردن به مبانی امنیت ملی کشور، موادی به این برنامه اضافه شود. در ضمن، شناسایی زمینه‌هایی که منجر به عمل کرد مثبت افغانستان در تعاملات منطقه‌ای می‌شود، از جمله الزامات است. ایجاد لایه‌های قوی در منطقه و جهان برای حمایت از این دکترین که نظم و امنیت ملی افغانستان را تضمین می‌کند، نیز از جمله اقدامات ضروری به حساب می‌رود. مد نظر گیری جوانب مختلف از عواملی که به عنوان تهدید به امنیت ملی افغانستان محسوب می‌شوند، باید جزو اصلی در مد نظر گیری این دکترین باشند. رقابت ناسالم کشورهای همسایه و منطقه؛ ایران و آمریکا، ایران و عربستان، هندوستان و پاکستان، روسیه و سازمان شانگهای، نقش روزافزون چین در تعاملات امنیتی و سیاسی منطقه‌ای و جهانی و تاثیر آن بر اوضاع افغانستان، حضور یا عدم حضور نظامی و سیاسی ایالات متحده آمریکا در افغانستان، سازمان‌دهی و ملاحظاتی مسایل امنیتی، ایجاد راهنمای عمل در جهت تعقیب مسایل امنیتی، تغییر موقعیت کشور از یک بازی گر انتخاب شده به یک بازی گر فعال و حتمی از جمله مواردی‌اند که می‌توانند در تدوین چنین دکترینی موثر واقع شوند.

میرم امنیتی احساس می‌شود. اما متأسفانه به دلیل فقدان برنامه راهبردی و جامع - پایه‌ای در زمینه امنیت، این مقوله در تمامی وجوهات خود با روی کار آمدن دولت‌های مختلف ضمن تغییرات کلی و جزئی، یا اصلاً وجود نداشته و یا هم اگر وجود داشته به صورت سلیقه‌ای اعمال شده و از هیچ قانون ثابتی پیروی نکرده است. تنها نکته مشترک بین دولت‌های گذشته به خصوص بعد از روی کار آمدن اداره موقت در سال ۱۳۸۰، موجودیت ایده مبارزه با تروریسم و تهدیدهایی بوده که نظام مستقر سیاسی را با خطر مواجه ساخته است؛ اما طرح عملی و پلان تفروم امنیتی که بتوان در روشنایی آن جواب قناعت‌بخشی به معضل امنیتی کشور داد، وجود نداشته است. در مجموع می‌توان دکترین امنیتی - دفاعی کشور را در دو سطح داخلی و خارجی مورد ارزیابی قرار داده و تبیین کرد:

۱- در سطح داخلی: تهدیدها از ناحیه امنیت ملی که حاکمیت ملی و قانون را متاثر ساخته است، از جمله مهم‌ترین تهدیدها حساب می‌شود. ایجاد ثبات سیاسی در داخل کشور، بسط و گسترش حاکمیت دولتی، تنش‌زدایی محض سیاسی، مدیریت امنیتی کشور، جلوگیری از فعال شدن تهدیدات بالقوه و پدید آمدن تهدیدات جدید، حفظ کیان کشور، ایجاد راهکارهای مناسب برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها، مهار تهدیدهای بالفعل ناشی از موجودیت جزایر قدرت سیاسی، رفع چالش‌های ناشی از ضعف حکومت‌داری و تطبیق سیاست‌های امنیتی - دفاعی، کمیت و کیفیت قوت‌های مسلح کشور، ارزیابی بنیادی از میزان ضرورت تجهیزات نظامی مورد نیاز نیروهای امنیتی - دفاعی، نحوه عمل کرد و پاسخ‌گویی به تهدیدهایی که به صورت آنی حاکمیت ملی را متاثر می‌سازد، از جمله مواردی‌اند که باید در دکترین امنیتی - دفاعی کشور مد نظر گرفته شوند.

۲- در بعد خارجی: دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور، اتخاذ دیپلماسی فعال با حمایت قوت‌های مسلح و توان‌مندی نظامی برای ایفای نقش فعال در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، پایان دادن به نقش منفعل کشور در تعاملات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه، تلاش برای رفع محدودیت‌هایی که منجر به انزوای افغانستان در تعاملات سیاسی می‌شوند، حضور فعال در عرصه‌های تجارت منطقه‌ای و جهانی، کار مشترک با دستگاه دیپلماسی کشور که اساس عمل کرد آن را سیاست خارجی اقتصادمحور شکل می‌دهد، حضور در ترتیبات امنیتی بین‌المللی در قالب امنیت دسته‌جمعی، ایجاد شرایط هم‌گرایی

۱- مکتب آسیب‌محور؛ ۲- مکتب تهدیدمحور؛ ۳- مکتب فرصت‌محور؛ ۴- مکتب موقعیت‌محور.

با توجه به مکاتب یاد شده، می‌توان گفت که در تدوین دکترین امنیت ملی کشور، می‌توان از گونه‌ای تلفیقی این مکاتب کار گرفت؛ یعنی می‌توان از تلفیق مکتب آسیب‌محور که نمای دائمی یک تهدید را به صورت بالقوه نشان می‌دهد، مکتب تهدیدمحور که نقش عوامل بیرونی در کاهش بحران‌های امنیتی در آن موثر است، مکتب فرصت‌محور که تخمینی دقیق از تهدید را فراهم آورده و تلاش برای ایجاد فرصت در جهت مهار تهدیدها صورت می‌گیرد و بالاخره مکتب موقعیت‌محور که بر وضعیت داخلی تاکید فوری داشته و ثبات سیاسی و انسجام ملی را گزینه اصلی آن قلمداد می‌کند، کار گرفت.

حال با توجه به شرایط فعلی کشور، تهدیدها چون بیش‌تر از ناحیه بیرونی متوجه امنیت ملی کشور است، بنابراین سیاست‌های امنیتی و دفاعی کشور باید در جهت مهار آن به کار گرفته شود. در چنین شرایطی است که می‌توان با بسیج قوت و توانایی نظامی و فکری، به ایجاد راهکار و مکانیزم ترتیب و تکوین سیاست‌های امنیتی در قالب دکترین امنیت ملی دست یافت. باید خاطر نشان کرد که قدرت نظامی با گزاره‌های آن، مولفه اصلی یک دکترین موفق امنیتی-دفاعی حساب می‌شود؛ گزاره‌هایی که ضعف، قوت، احتیاج و اراده را می‌توان رکن اصلی و اساسی در ارزیابی میزان موفقیت و یا ناکامی یک دکترین امنیتی حساب کرد. علاوه بر آن، چون مساله امنیت ملی به عنوان اساسی‌ترین بخش دکترین امنیت ملی حساب می‌شود، بنابراین در تدوین آن، آسیب‌شناسی تهدیدهای بالقوه و بالفعل، میزان فشار و چالش‌های موجود از نظر امنیتی و تعاملاتی که منجر به ایجاد چالش‌ها یا فرصت‌های بهبود شرایط امنیتی می‌شوند را مهم‌ترین عنصر تدوین چنین سیاستی دانست.

از سوی دیگر، کشور ما افغانستان که در معرض تهدیدهای کوچک و بزرگ امنیتی ناشی از حضور گروه‌های تروریستی داخلی و بین‌المللی قرار دارد، بیش‌تر از هر زمانی نیازمند تدوین یک طرح مدون و مکتوب امنیتی و دفاعی برای مهار این تهدیدها است. به لحاظ این‌که نوعیت این تهدیدها قسمی است که به گونه‌ای بالقوه امنیت ملی کشور را به مخاطره انداخته‌اند، بنابراین نیاز فوری برای کار بنیادی و تکنیکی روی ایجاد یک مکانیزم موثر عمل کرد امنیتی و در مرحله بعدی عملیاتی کردن آن برای مهار این تهدیدها و جواب‌گویی به نیازهای

مساله امنیت در طول تاریخ همواره مورد تاکید حکام بوده و در تاریخ معاصر نیز دولت‌ها بر امنیت در معنای لغوی و عملی آن تاکید داشته و دارند. دکترین امنیت ملی در واقع برداشتهایی از مفهوم پیچیده و مبهم امنیت است که به تبیین آن پرداخته و نیازهای فوری تامین امنیت و حراست از ارزش‌هایی را الزامی می‌سازد که برای بقای کشورها مهم است. دکترین امنیت ملی، در حقیقت برداشت و ارزیابی از وضعیت امنیتی است که با اتکا بر تحلیل‌ها و برآوردهای امنیتی، پیش‌بینی‌هایی را به دولت‌مردان و سیاست‌مداران می‌دهد که بر مبنای آن می‌توان نیازهای اولیه امنیتی و دفاعی کشور را مشخص ساخت و در راستای این نیازها به اقدامات موثر و به موقع پرداخت. دکترین امنیتی با اتکا بر واقعیت‌های موجود، تلاش می‌کند تا تصویری واقع‌بینانه‌تر و مسلم‌تر از وضعیت امنیتی منطقه و جهان را برای دولت‌مردان و دست‌اندرکاران دستگاه‌های امنیتی و سکتورهای دفاعی کشورها مساعد سازد. چگونه‌گی تحلیل و تبیین واقعیت‌های امنیتی در منطقه و جهان، برای دولت‌ها به علت این مهم است که از یک طرف می‌توان تصویر درست از وضعیت داشت و حقایق مسلم را درک کرد و از سوی دیگر، اقدامات و عمل‌کردهای متناسب به تهدیدهای بالقوه را در برابر آن داشت.

معمولاً دکترین امنیت ملی کشورها در سه سطح راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی اجرایی می‌شود که هر سطح با حیطه مشخص کاری و دستورالعمل‌های به خصوص خود، ساحه‌ای از نگرانی‌های بالقوه امنیتی کشورها را پوشش داده و به آن پاسخ می‌دهد. در سطح نخست که سطح راهبردی است، معمولاً طرح کلان جنگ در آن مطرح می‌شود و رده‌های عالی رهبری قوای مسلح دخیل‌اند. در سطح دوم (عملیاتی) که مربوط به روش و هدایت جنگ است، فرماندهان جنگ در صحنه نبرد با آن سروکار دارند. در سطح سوم که به روش و نحوه هدایت نیروهای مسلح در صحنه نبرد مربوط می‌شود، هدایت و سکان آن نیروها مهم است. در کل، نظریات مختلف در باب تبیین و تدوین دکترین امنیتی مناسب در حول چهار دیدگاه می‌چرخد: